



اعتباری و سرمایه گذاری بانکی
Association of Banking & Credit Investment Consultants

گفت‌وگو مشاوران

شماره ۴۲ - شهریور ماه ۱۳۹۴



اعضای شرکت های عضو کانون؛ حاضر در دوره
آموزشی تحلیلی اقتصادی طرح ها



تحلیل اقتصادی طرح ها

هما سادات گوشه

سطح عمومی فقر جامعه تأثیری بسیار مثبت می گذارند و این نقطه آغازین مباحثی بود که توسط پروفیسور "ویز" (weiss) به شرکت کنندگان در دوره ارائه شد و فرصتی ارزشمند برای طرح مباحث و روش های محاسبه شاخص های اقتصادی مؤثر بر تصمیم سازی ها و تصمیم گیری هایی مبتنی بر مجموعه اثرات یک سرمایه گذاری، و نه تنها شاخص های سود آوری و دوره بازگشت مالی سرمایه گذاری، فراهم آورد.

همین نکته کلیدی است که استفاده از این محاسبات را در بانک های توسعه ای دولتی، منطقه ای، و جهانی مانند بانک توسعه آسیایی و بانک جهانی، متداول ساخته است. شایسته توجه است که تحلیل اقتصادی طرح به هیچ عنوان از اهمیت تحلیل های مالی طرح نمی کاهد بلکه محاسبات آن بر استفاده از صورت های مالی همچون "پیش بینی گردش وجوه نقدی" و "دوره بازگشت سرمایه" استوار است که بر پایه توجه به مفاهیم نوین در اقتصاد؛ مانند قیمتی ناظر بر "تمایل مصرف کنندگان به پرداخت"، در مواردی که محصول طرح در بازار داخلی عرضه خواهد شد و یا احتساب قیمت تمام شده عوامل برای طرح بر مبنای قیمت های داخلی و در همان حال احتساب قیمت فروش بر اساس قیمت های جهانی، استفاده از نرخ سایه در تسعیر ارز، در مواردی که محصول طرح کالایی قابل عرضه در بازارهای جهانی باشد، تعدیل می گردد.

روشن است این محاسبات برای همه سرمایه گذاری های بخش خصوصی ضروری نیست و برای امکان پذیر شدن آن، به وجود شاخص هایی در برخی از سرفصل های کلان ترمانند شاخص های صنایع مختلف، به تفکیک، و اطلاعات و آماری از شاخص های اقتصاد کلان نیاز است که امید می رود با پیش گامی بانک صنعت و معدن و طرح این نیاز با سازمان مدیریت و برنامه ریزی، بانک مرکزی، وزارت خانه های مرتبط، مرکزآمار ایران و مراجع معتبر دانشگاهی و پژوهشی، اطلاعات پایه مورد نیاز انجام غیرنمایشی این محاسبات و استفاده از نتایج آن در جای درست فراهم آید.

کانون مشاوران اعتباری و سرمایه گذاری بانکی نیز در آشنا سازی سایر اعضا خود با این مفاهیم پراهمیت تلاش خواهد نمود دامنه آگاهی مشاوران را به تناسب امکاناتی که در اختیار دارد وسعت بخشد.

"تحلیل اقتصادی طرح ها (چارچوب و مطالعات موردی)" موضوع جذاب دوره ای پنج روزه برای آشنایی با مفاهیم و معیارهای متفاوت اقتصادی و روش های محاسبه آن معیار ها، در کنار محاسبات متعارف مالی بود، که به همت بانک صنعت و معدن و با استفاده از حضور سخنرانی کارآزموده و استادی با تجربه در حوزه بانک داری توسعه ای، به عنوان یکی از میهمانان همایش یک روزه "نقش بانک های توسعه ای در توسعه و رونق اقتصادی کشور" برگزار شده که با محوریت آن بانک و میزبانی بانک های تخصصی کشور برپا می شد و فرصت حضور و مشارکت نمایندگان چهارده شرکت مشاور عضو "کانون مشاوران اعتباری و سرمایه گذاری بانکی" نیز در بهره گیری از این فرصت ارزشمند فراهم ساخت.

اهمیت موضوع آن گاه به درستی دریافت می شود که نقش و جایگاه بانک های توسعه ای در توسعه کشورها و رفع نیازهای جوامع محروم یا کمتربرخوردار و فراهم آوردن شرایط مطلوب زندگی انسانی، با برنامه ریزی مناسب و مدیریت صحیح استفاده از منابع محدود مالی در تأمین مالی طرح های مورد نیاز پیشرفت اقتصادی جوامع، روشن و شناخته شده باشد زیرا بانک های توسعه ای می باید فاصله های خالی موجود در بازار های مالی را که بانک های تجاری (اعم از دولتی یا خصوصی) قادر به پر کردن آن نیستند، پر نمایند.

بسیاری از بانک های توسعه ای بر تأمین مالی طرح های زیربنایی مانند راه ها، بنادر، راه آهن، انرژی برق، آب و خدمات شهری متمرکزند. برخی برای ارائه تسهیلات به سرمایه گذاری ها و کارخانجات کوچک و سرمایه گذاران خلاق، از جمله صنایع سبزی کوشند و بانک های توسعه ای متعددی نیز مجموعه ای از این گونه منابع مالی مورد نیاز رشد و شکوفایی اقتصادی کشور ها یا گروه ها و یا مناطق جغرافیایی مشخصی را در اختیار طرح های با بازده مطلوب اقتصادی قرار می دهند و از این منظر است که پرداختن به مفاهیم تحلیل اقتصادی طرح ها، از سال های ۲۰۰۸، ۲۰۰۹ میلادی نزد اقتصاد دانان و بانک داران توسعه ای مورد توجه و استفاده قرار گرفت تا به "اثرات بیرونی" ناشی از سرمایه گذاری ها نیز توجه شود، زیرا برخی از سرمایه گذاری ها با وجود عدم برخورداری از شاخص های مطلوب سودآوری متعارف، بر اقتصاد عمومی و شاخص های پراهمیتی چون افزایش رفاه عمومی یا کاهش



نگاه موجود در سیاست گذاری کلان کشوری، جامع نیست

(رویان پلیمیر آریا) حمیدرضا حقیقت پژوه

که نرخ سوددهی سپرده های بانکی است یا نرخ ۱۸ درصد نرخ اوراق مشارکت بانک مرکزی است که البته بسیار با هم متفاوتند. نرخ تنزیل باید فصلی یا سالیانه از سوی دولت و سازمان برنامه و بودجه اعلام شود اما در حال حاضر شاخص اقتصادی نداریم. در پروژه شاخصی برای خودمان در نظر می گیریم. بانک هم مستأصل است. ممکن است بر مبنای عرف یا جبر هر بانکی نرخ معیار خاص خود را داشته باشد که کاملاً سلیقه ای است. بانک توسعه آسیا تعاریف و شاخص های معین دارد و در هر کشور مطالعات جامعی انجام داده؛ که می توانیم الگو بگیریم. پیشنهاد می کنم سه ضلعی که در این دوره دور هم جمع شدند دست به کار تدوین شاخص ها برای تحلیل اقتصادی باشند. گاهی ما وارد میدان عمل می شویم و می بینیم محورهای تحلیلی با مفاهیمی که یاد گرفتیم، در تعارضند اما این نگرش تحلیل اقتصادی این گونه نیست و قابلیت عملیاتی شدن دارد. در گام اول باید شاخص سازی کنیم و مدل کار را طراحی کنیم تا به اجرا نزدیک شویم. مثلاً پروژه جاده سازی؛ اکثر شرکت های سرمایه گذاری حاضر به این کار نیستند چون IRR زیر ۱۰٪ است و بازگشت سرمایه ده سال طول

اغلب طرح ها در کشور ما بر مبنای تحلیل مالی امکان سنجی می شود اما در این دوره تمرکز بر تحلیل اقتصادی و مقایسه این دو رویکرد بود. از آنجا که ما تا به حال با این سیستم و محتوای کاری مواجه نشده ایم از این جهت بسیار جذاب و ارزشمند بود. آموختیم، بعضی پروژه ها که از منظر مالی توجیه ندارد با تحلیل اقتصادی توجیه پذیر خواهند بود؛ در واقع با رویکرد جدید شرایط بررسی و پذیرش طرح عوض می شود. لازم است از این پس به طرح ها از دریچه اقتصاد کلان نگاه کنیم. پایه تحلیل اقتصادی حذف مالیات، دارایی و ارزش افزوده در قیمت گذاری طرح است. با نگاه اقتصادی می توانیم طرح را به سمتی ببریم که مالیاتش را حذف کنیم. تعریف نقش و جایگاه دولت و بخش خصوصی در مسائل توسعه، توجیه پذیر کردن طرح از طریق حذف مسائل مالیاتی، اهمیت وجود شاخص های اقتصادی مانند نرخ تنزیل از مسائلی بود که در دوره آموزشی به آن پرداخته شد. نرخ تنزیل تعریفی دارد. در بعضی طرح ها نرخ تنزیل را ۱۸ درصد محاسبه می کنیم اما ممکن است در طرح دیگری ۲۰ درصد باشد. شاید با این توجیه که ملاک این است



می کشد اما با تحلیل اقتصادی IRR ۱۸٪ خواهد بود که پروژه را جذاب تر می کند و به همین دلیل شرکت های سرمایه گذاری و بنگاه های دولتی نیز به سرمایه گذاری مجاب می شوند. پایه گذاری این شکل تحلیل با ماست. مشاوره که در فضای بین المللی نباشد و این مفاهیم را نداند، فقط دنبال طرحی است که ۵۰ میلیون تومان پول در بیاورد.

طرح های کشاورزی را تحلیل اقتصادی نمی کنیم زیرا کمی کردن شاخص های مؤثر آسان نیست. محصولات

و وسایل تولید در کشاورزی با مالیات ارتباط

مستقیم دارد. اگر کشاورز، گندم، جو و ذرت

بیکار در بازار فروش ضرر خواهد کرد زیرا پیشنهاد دادیم قانون جلساتی برگزار کند

دولت محصول را با یارانه وارد می کند، و بازخورد بگیرد. طرح های واگذار شده از

کشاورز در این وضعیت مالیات هم باید سوی نظام بانکی را به عنوان مطالعه موردی،

بدهد. مالیات و یارانه همدیگر را قطع بررسی کنیم تا آموخته ها مرور شود؛ مورد به

می کنند. یارانه قیمت را به کف فروش مورد کار کنیم. چون این قدر پارامترها جذاب

می رساند و مالیات هزینه را بالا می برد. این و شیرین است که دید مضاعفی به سرمایه

دو عامل مانند گیوتین عمل می کنند و IRR گذار خواهد داد.

را از بین می برند.

متأسفانه نگاهی که در سیاست گذاری کلان کشوری

وجود دارد، جامع نیست. دولت برای کاری مالیات وضع

می کند، اما از این واقعیت غفلت می کند که در جای دیگری

درصدی می گیرد که طرح های سود آور را غیر اقتصادی و طرح های

غیر اقتصادی را سودآور می کند. از این رو به ناگاه با سرمایه گذاری

زیاد در یک حوزه اقتصادی مواجه می شویم بدون آنکه به کاربری و

سوددهی برسد. ایران از لحاظ مبانی و تعاریف شاخص های اقتصادی

خیلی عقب است، خود بانک هم به این اذعان دارد. نهادی باید متولی

این کار شود تا زمینه مناسب فراهم گردد. شاید یکی از مسیرها این باشد

که فرم های بانکی تغییر کند تا این نگرش در آن لحاظ شود. مشاوره

که دوره های این چنینی را گذرانده اند هم به توسعه دیدگاه کمک کنند.

برگزاری نشست هم اندیشی برای انتقال تجربیات و

آموخته ها به مشاوران دیگر ضروری است زیرا همه

باید از این مفاهیم استفاده کنند و از طرف دیگر

شاهد رشد تعامل بین شرکت های فعال و

علاقه مند و هم افزایی علمی و تجربی خواهیم بود. معتقدم رویکرد تحلیل اقتصادی با تکرار و تمرین عملیاتی می شود. مشاوره داریم که اصلاً به این مسائل توجه نمی کنند. درآمدی که از تغییر نگرش نصیبشان می شود، قابل توجه نیست. ما پیشنهاد دادیم قانون جلساتی برگزار کند و بازخورد بگیرد. طرح های واگذار شده از سوی نظام بانکی را به عنوان مطالعه موردی، بررسی کنیم تا آموخته ها مرور شود؛ مورد به مورد کار کنیم. چون این قدر پارامترها جذاب و شیرین است که دید مضاعفی به سرمایه گذار خواهد داد. من به این یقین دارم.

@ risk نرم افزار تحلیل ریسک پروژه است که کمی با آن آشنا بودم و در کلاس هم معرفی شد. ما به علت نگاه بازاری در کشور از

این نرم افزارها استفاده نمی کنیم.

میزان مشارکت دوستان در مباحث راضی کننده

بود، سوالات خوبی هم می شد که استاد در

چارچوب نگرش اقتصادی توضیح می داد و

در بعضی از موارد به نظرم در وارد شدن

به جزئیات اکراه داشت. شاید فکر می کرد

در وضعیت فعلی ایران کارایی ندارد. با

بعضی تعاریف آشنا نبودیم. بهتر بود قبل از

برگزاری دوره، شرکت کنندگان با تعاریف

علمی آن مواجه می شدند. به عنوان نمونه با

مفهوم تمایل به پرداخت آشنایی نداشتیم.

نهادهای برنامه ریز برای تحقق بخشیدن به شیوه

تحلیل اقتصادی طرح، سلسله مراتب تعریف کنند. یعنی

دوره های پیش نیاز رعایت شود. برنامه ریزی زمانی دقیق

باشد. تجدید دوره نیز در به ثمر نشستن ایده اثر دارد. یک دوره دو ساله

تعیین کنیم که هر سه ماه یکبار جدیدی به مشاوران ارائه کند.

متأسفانه نگاهی که در سیاست گذاری

کلان کشوری وجود دارد، جامع نیست.

دولت برای کاری مالیات وضع می کند، اما از

این واقعیت غفلت می کند که در جای دیگری

درصدی می گیرد که طرح های سود آور را

غیر اقتصادی و طرح های غیر اقتصادی را

سودآور می کند.

لازم است آثار اشتباه در مطالعات زیست محیطی را که یکی از شاخص های مهم توسعه یافتگی است، به حداقل برسانیم



فرشاد مُرواری

(بنیاد صنعتی ایران)

هر چه پیشتر می رفتیم مسائل و نمونه ها سخت تر می شد به شکلی که در مثال های آخر نمی توانستیم نکات را یادداشت کنیم. باید روند را به خاطر می سپردیم و بعد از کلاس فایل را بازبینی می کردیم تا شیوه کار را درک کنیم. با این توضیح طبیعتاً تصور بر این نیست که برگزاری دوره آموزشی یک هفته ای، مشاورینی تربیت کند که بتوانند از فردا طرح را اقتصادی ارزیابی کنند.

تا جایی که من می دانم در حال حاضر توجه به شاخص اقتصادی در کشور کم است و ما فقط شاخص های مالی را می بینیم. یارانه؛ شاخص های سایه و مسائل زیست محیطی را در مطالعات امکان سنجی در نظر نمی گیریم البته بعضی از مشاوران در بهترین حالت در بخش محیط زیست دقت می کنند. مطالبی هم که در این بخش می نویسیم بیش از اینکه کاربردی باشد، دستوری است. محیط زیست یک تخصص است در اهمیتش همین بس که سر در دانشکده، عبارت "عمران و محیط زیست" نوشته شده است. آثار بی توجهی به محیط زیست را به عنوان مثال در پروژه های سدسازی می بینیم. این بحران را باید حل کنیم چون یکی از شاخص های مهم توسعه یافتگی توجه به محیط زیست، است. همین بی توجهی در حال حاضر برای پدافند غیرعامل رخ می دهد. باید آثار اشتباه در این بخش را به حداقل برسانیم. آورده هایی را که

این دوره آموزشی برای من بسیار آورده داشته است. البته ممکن است مباحث برای دوستانی که تجربه و تخصص بیشتری در بانکداری یا علوم مالی دارند به اندازه منی که این تخصص ها را ندارم، جدید نبوده باشد. بنده فنی خوانده ام و به دلیل مطالعات امکان سنجی ای که انجام می دهم کمی با بحث بازار و مطالعات مالی آشنایم ولی پیش از این به این شکل به مباحث اقتصادی وارد نشده بودم. از زمانی که امکان سنجی انجام می دهم این پرسش که چه تفاوتی بین مطالعات مالی و امکان سنجی اقتصادی است، در ذهنم بود و در این کلاس به پاسخ رسیدم. در حقیقت متوجه شدم امکان سنجی دو رشته متفاوت دارد. اگر به بانک توسعه ای گزارش می دهیم باید قیمت واقعی بدون یارانه و قیمت های سایه را لحاظ کنیم؛ شاخص اقتصادی را محاسبه کنیم تا بانک بر آن مبنا تصمیم بگیرد. درباره اقتصاد کلان بحث شد و بعد از آن به طرح ها و پروژه های عینی که کمابیش SME بودند، پرداختیم ولی تمرکز بیشتر بر پروژه های کلان مثل نیرو و آب بود. به طور مشخص رسالت بانک توسعه ای را مطالعه کردیم.

متدولوژی دوره، حرکت از مثال های آسان به سخت بود. اولین مورد عینی که پای تخته نوشته شد بسیار ساده حل شد. بعد بر اساس شاخص IRR و سود و زیان محاسبه می کردیم و EIRR به دست می آمد اما

طرح برای توسعه پایدار کشور دارد در نظر بگیریم. اگر پروژه ای داریم که به واسطه آن فعالیت های انفورماتیک انجام می دهیم، به حفاظت از داده ها و آسیب پذیر نبودن داده و بحث های مهندسی ارزش، اهمیت بدهیم. این توجه می تواند آورده هایی برای دولت داشته باشد؛ به جای یک سری از تسلیحات و امکانات فیزیکی می شود از امکانات مجازی استفاده کرد. در حقیقت سدی ایجاد کنیم که هم برای اقتصاد مفید است و هم آسیب پذیری آن را کم خواهد کرد.

از پرفسور ویز پرسیدم اگر امکان سنجی طرح به لحاظ مالی و اقتصادی مثبت باشد و شاخص های مالی بالاتر از شاخص اقتصادی قرار گیرد، در این صورت بانک توسعه ای تسهیلات می دهد؟ پاسخ این بود که جای این طرح در بانک های توسعه ای نیست باید به بانک تجاری منتقل شود. نکته اینکه، چیدمان گروه، منطقی و منظم بود. دوستان بانک به علت تحصیلاتشان به علم اقتصاد تسلط داشتند؛ دوستان سازمان برنامه هم با مباحث مالی آشنا بودند اما بیشتر مشاورین رشته های فنی خوانده بودند. البته بعضی ها به واسطه تجربه زیاد، دانش اقتصادی درخوری داشتند. فکر می کنم عبور از مرحله بحث نظری به عملی، نیازمند پایداری هسته ایجاد شده است. الزامی ندارد سلبی برخورد کنیم مشاورین مختلف باشند و غربال گری شود.

اما عملیاتی کردن مفاهیم عزم جدی دستگاه های اجرایی را می طلبد. برای نمونه مشخص کردن ضریب نرخ دستمزد یا ضریبی که برای نرخ ارز داریم تا نرخ سایه را پوشش دهد باید از طریق مراجع قانونی مشخص شود و تا زمانی که نرخ ها مشخص نشده باشد امکان پرداختن به این مسائل تقریبی است. پرفسور در پایان جلسه چکیده زیبایی از روش انجام، ارائه داد که در بند سوم یا چهارم آن نکاتی قید شده بود که تا زمانی که مشخصات تعیین نشده است، می شود با فرضیاتی کار را پیش برد و در حقیقت مطالعات اقتصادی را انجام داد.

اگر اهتمام سازمان های مسئول نباشد احتمال عملیاتی شدن ایده کم می شود. تصویری که داشتیم این بود که بار را از طبقه بالا برداشتیم، طبقه میانی که بانک است هم بارش سبک شده است و بیشترین بار در پایین ترین طبقه

پیشنهاد می کنم بانک مسئولیتی بپذیرد و در مقابل گزارشی که تحلیل اقتصادی دارد تسهیلات متفاوتی بدهد؛ به عبارت دیگر تسهیلاتی متفاوت با گزارشی که این بخش را ندارد یا فقط بخش مالی را دارد. در واقع عملکرد بانک ضمانت اجرایی مشاوران برای عمل به شیوه جدید باشد.

که مشاوران هستند مشاهده می شود. در اینجا به موانعی مثل توجیه کردن کارفرمایان برمی خوریم که شاید رسالت ما باشد. زمانی این امر تحقق می یابد که مشاوران توجیه شده باشند تا بتوانند کارفرما را توجیه کنند. در این شیوه باید به دریافت دستمزد معقول به واسطه مطالعات گسترده تر توجه کرد. البته که اولین سؤال کارفرما بعد از مواجهه با دستمزد جدید این خواهد بود که در مقابل این مازاد چه دریافتی خواهد داشت؟ پیشنهاد می کنم لایه میانی (بانک) مسئولیتی بپذیرد و آن اینکه در مقابل این گزارش تسهیلات متفاوتی بدهد؛ به عبارت دیگر تسهیلاتی متفاوت با امکان سنجی ای که این بخش را ندارد یا فقط بخش مالی را دارد. در واقع عملکرد بانک ضمانت اجرایی مشاوران برای عمل به شیوه جدید باشد. راهکار دیگر اینکه بخشی از تأمین مالی این نوع امکان سنجی را از همان ابتدا بانک تقبل کند. این دوره که برگزار شد، برای من پرسش بود چرا باید ۵۰ درصد هزینه را بانک تقبل کند؟ طبیعتاً بانک می داند از این آموزش منتفع می شود و مشاورین در آینده گزارشی به این سیاق می نویسند پس بانک می تواند بخشی از این ریسک را بپذیرد که البته ریسک نیست، نوعی سرمایه گذار است.

طبعاً گزارش های اولیه کامل و بی اشکال نیست. در فاز اول فقط کارهای ترجمه ای انجام دهیم و در مراحل بعدی مدرک تدوین کنیم. دستورالعمل بانک توسعه آسیا و شکل گزارش نویسی و نمودارها، معیار خوبی برای ماست. اگر خروجی گزارش و دستورالعمل و فرم بانک تغییر کند و فرم هایی که خلاصه های مدیریتی بانک در اختیار باشد، مدیران در نگاه کوتاهی FIRR و EIRR را ملاحظه و بر مبنای آن تصمیم گیری می کنند.

نقدی هم دارم که خوب است منعکس شود وقتی کلاس بر مبنای مفاهیم علم اقتصاد و لزوم توجه به آن در امکان سنجی طرح های توسعه ای شکل گرفته، چه لزومی به کار کردن با نرم افزار اجرایی است. بعضی اصرار ها و ابرام ها روند رو به جلوی آموزش و انگیزه مدرس را مختل می کند.



روند پیچیده اداری، سرمایه گذاری بانک های توسعه ای خارجی را کاهش می دهد

(توسعه فراگیر جاسک) مصطفی تربتی

به نظر من ما می توانیم شاخص ایجاد کنیم. یکی به روش های ریاضی که امر کیفی را به شاخص کمی تبدیل کند و یا روش های آماری که دیتا سرور خاص می خواهد. البته که کار مشکلی است اما برای شروع مناسب است. برای تسریع روند باید به اصلاح آیین نامه و مقررات و ارتقای دانش فنی مسئولان توجه کرد.

در این مسیر مشکل دیگری هم داریم؛ فرض کنیم شاخص های یاد شده، به دست آمد حالا با سرمایه گذاران بخش خصوصی مواجهیم که دید کلان ندارند و سودآوری مهمترین هدفشان است. در مقابل بانک توسعه ای و بدنه اجرایی دولت اند که با توجه به رسالتشان باید دید کلان داشته باشند و وقتی پروژه ای اجرا می شود سوددهی اش را فقط در بخش مالی ببینند، ما به عنوان مشاور طرح چگونه باید با این تعارض برخورد کنیم؟ پرفسور، بر نگرش توسعه ای بانک تأکید می کرد اما بانک های ما به اندازه کافی به این امر توجه ندارند شاهد مدعا نوع تسهیلات پرداختی و نوع سرمایه گذاری هاست. مثلاً شرکت ما در زمینه توسعه منطقه ای کار می کند اما کارفرما لزوماً چنین دیدگاهی ندارد؛ از این رو برای انجام کارمشکل داریم چون مورد پسند کارفرما نیست. اگر نظام بانکی کشور احیا شود، ماده قانونی و اساسنامه دستوری بر این دیدگاه صحه بگذارد، مسیر راحت تر طی می شود. در فرم های فعلی

اجرای دوره عالی بود. تسلط و اعتقاد مدرس به مفاهیمی که ارائه می داد، آموخته ها را درونی می کرد. نگرش بانک های توسعه ای، تفاوت بین محاسبات اقتصادی و مالی و در اولویت بودن تحلیل اقتصادی و نحوه انتخاب بین آلترناتیوهای پروژه برایم جالب بود. ما قبلاً با معیارهای خیلی متفاوتی کار می کردیم اما استاد با دو سه معیار ساده سودمندی طرح را می سنجید و به نتیجه می رسید.

در وضعیت فعلی انتخاب آلترناتیوها با توجه به تحلیل مالی صورت می گیرد. من و همکارانم پیچیده تر از این حرف ها کار می کنیم. تکنولوژی، نظر سرمایه گذار، راحت بودن مسیر اجرایی و شاخص های IRR NPV ، در حالی که پرفسور به بررسی $EIRR$ و $ENPV$ تأکید داشت.

دیدگاه ما با بانک های توسعه ای خارجی فرق می کند. خیلی پیچیده تر کار می کنیم، تفاوت عمیق در روش کار داریم. اول اینکه ما در ایران تحلیل اقتصادی نمی کنیم، همیشه تحلیل مالی می کنیم. اکسترنالیتیه ای $Externality$ را که استاد معرفی می کرد نمی توانیم به پول و هزینه ترجمه کنیم؛ یعنی شاخص نداریم یا اگر داریم دقیق نیست و به سرانجام نمی رسد. تصور کنید ما باید بدون شاخص معین تحلیل اقتصادی کنیم، چه اتفاقی می افتد؟

بانک، جایی برای تحلیل های اقتصادی نیست به نظر من اگر بانک صنعت و معدن گزارش های خوبی از این دوره دریافت کند، امکان عملیاتی شدن مفاهیم بیشتر است.

قاعدتا جاذبه اقتصادی طرح های بانک های توسعه ای بیشتر از جاذبه مالی است با نشان دادن مزایا و جذابیت ها به سرمایه گذار، نمایش کار بهتر خواهد شد به عبارت دیگر کارفرمای خصوصی باید دید اقتصادی و مالی را باهم داشته

باشد. بالا بودن IRR سرمایه گذار و منافع دراز از طرفی ما با سرمایه گذاران بخش مدت در مجاب کردن سرمایه گذار مؤثر است؛ خصوصی مواجهیم که دید کلان ندارند و کار مشاور هم راحت ترمی شود. سودآوری مهمترین هدفشان است در مقابل مهارت های کسب شده در دوره برای طرح

نویسی بین المللی لازم است. در واقع توجه شرکت کنندگان به این جلب شد که ما در یک روند اداری و پیچیده گیر کرده ایم؛ در سوددهی پروژه را فقط در بخش مالی ببینند، داشتند این رویه در ایران معمول است؛ همه هم می تنیم و کار را سخت می کنیم اما آنها حال ما به عنوان مشاور طرح چگونه باید پروژه ها باید کامفار شود در حالی که به نظر ابعاد طرح را به راحتی می سنجند و تصمیم با این تعارض برخورد کنیم؟ اکسل بهتر جواب می دهد. کامفار پیچیدگی و می گیرند و اجرای کار آغاز می شود.

توجه کنیم که همه مشکلات به خاطر تحریم ها به وجود نیامده است. بانک های توسعه ای طرح های زیادی

در کشورهای جنوب شرق آسیا اجرا کرده اند ولی در ایران طرحی نداشته اند چون ساختار اداری ما پیچیده است. اگر شرایط کاری مناسب نباشد بانک ها ورود نمی کنند حتا اگر طرح سودده باشد. از طرف دیگر دید ما به بانک توسعه ای صحیح نیست و شاید به همین دلیل برای دریافت تسهیلات از بانک های توسعه خارجی اقدام نکرده ایم. دید کارشناسان و مدیران نسبت به بانک توسعه ای روشن نبود؛ نمی دانستند کمک هزینه های بانک توسعه ای خارج از چارت دولت یا حکومت است و به توسعه دولت ها کمک می کند.

دوره در کل خیلی خوب بود اما دخالت هایی در کار صورت گرفت که دلچسب نبود. اصرار بر استفاده از روش یونی ۲ و کامفار که منسوخ شده، روند کلاس را مختل کرد. استاد تا به حال با

می کنم، فرض کنید پروژه ساختمانی داریم که بعضی از واحدهایش را پیش فروش کرده ایم بنابراین قبل از اتمام، پروژه سودده می شود، کامفار نمی تواند این سود را محاسبه کند. در واقع بهتر است به بحث های فنی پروژه توجه کنیم اگر مشکلی نداشت، اهمیتی ندارد با کدام نرم افزار کار شده است.

اگر کانون مشاوران ارشد را به مجموعه بانکی معرفی کند رقابت بین اعضا گسترده تر می شود. معمولا افراد بعد از مواجه شدن با لزوم ارزیابی طرح، از بانک ها می خواهند مشاور مناسب معرفی کنند. چرا کانون افراد را ارزیابی نکند و لیست برترین های هر حوزه را به مراجع معرفی نکند؟ پیشنهاد می کنم کانون هر شش ماه فهرستی از ده تا شرکت برتر در حوزه های مختلف تهیه کند. این فهرست باعث رقابت می شود و خللی هم در کار شرکت ها ایجاد نمی کند اگر من بدانم

جایی دیده می شوم و رتبه بندی می شوم، مؤثر تر همکاری انمان باید بدانند وقتی ارزش و دقیق تر کار می کنم. روند رنکینگ و سنجش توانایی در بازار کار مشاوران تأثیر دارد.

کار مشاوره را کم می بینند، به کار ضربه می زنند. وقتی در طرح دو میلیاردی، سی میلیون می گیرند یعنی امکان سنجی اهمیت کمی دارد. اینجاست که مشاور ناچار گزارش را کپی می کند. می باید ارزش کار را بالا ببریم تا با مشاوران ناصالح برخورد کند تا اخلاق حرفه ماندگار و روابط با بانک ها بهتر شود. وقتی ارزش کار مشاوره را کم می بینند، به کار ضربه می زنند. وقتی در طرح دو میلیاردی، سی میلیون می گیرند یعنی امکان سنجی اهمیت کمی دارد. اینجاست که مشاور ناچار گزارش را کپی می کند.

می باید ارزش کار را بالا ببریم تا حرفه ماندگار و روابط با بانک ها بهتر شود. پتانسیل استان ها بالاست فقط روی تهران تمرکز نکنیم.

کمی سازی و محاسبه آماری داده های کیفی



مهرنوش قبادی

(آتی صنعت پرند)

شد. در طرح پیشنهادی زمین های اطراف بیستون که منطقه گردشگری است برای توسعه در نظر گرفته شده بود که خوشبختانه بعد از بررسی و گوشزد کردن آسیب زایی طرح برای صنعت گردشگری، متوقف شد. طبیعی است که آموخته های ما به مرور زمان کمرنگ می شود بنابراین باید برای اجرایی شدن و ماندگاری راه هایی مثل تغییر در فرم های امکان سنجی را آزمود. شرکت کنندگان دوره نیز می توانند مفاهیم مهم را به دیگر مشاوران منتقل کنند. کانون هم کارگروه تخصصی تشکیل دهد که به سیستم بانکی و بخش کارشناسی بانک پیشنهادهایی برای پیاده کردن این نگرش بدهیم. باید بدانیم کجا باید استاندارد را تغییر دهیم و کجا باید الزامات اساسی بگذاریم. بانک و کانون محرک باشند البته که اصطکاک کمی بالاست اما اگر بخواهیم، این تغییر که در نهایت به نفع توسعه کشور است، رخ می دهد.

پیشنهاد می کنم مفاهیم دوره با مثال از نمونه های عینی که در ایران انجام شده، به مشاورین منتقل شود. در کلاس، نمونه های واقعی بانک توسعه آسیا، مثلاً نیروگاهی در گرجستان بررسی شده بود. ما در هر طرحی به دنبال NPV و IRR هستیم اما پروفیسور ویز می گفت IRR چیست؟ اصلاً برایشان تعریف شده نبود. شاید هم اینتگریت شده F و E است در ایران فقط F را می سنجم چون آیتم های دیگر برایمان اهمیت ندارد. در حال حاضر در بررسی دو پروژه مختلف اول IRR را مقایسه می کنیم؛ هر کدام که بالاتر بود مناسب سرمایه گذاری است. هیچ وقت NPV شاخص اصلی ما نیست. گاهی اوقات هست که NPV طرحی که IRR بزرگتر دارد، کوچکتر است اما کسی به تاثیر آن توجه نمی کند. در اتحادیه اروپا و بانک توسعه آسیا و نهادهای این چنینی IRR آیتم وابسته است و NPV آیتم مستقل که از شاخص های متعددی

مهمترین دستاورد دوره، نگرش جدیدی بود که به آن دست یافتیم. ما در ارزیابی طرح ها اعم از بانکی و غیر بانکی بعد مالی را در نظر می گیریم، امری که در طرح های غیربانکی برجسته تر است. کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، آغاز مطالعات بخش مالی را به مثبت بودن ارزیابی اقتصادی منوط می کنند یعنی بعد از ارزیابی حداقل های اقتصادی طرح، مثل محیط زیست یا اشتغال اجتماعی است که مطالعه مالی شروع می شود. تا کنون هنگام بررسی طرح اگر کارفرما علاقه مند بود، آثار اجرای طرح بر محیط زیست و جامعه محلی را می سنجدیم اما فقط به صورت گزارشی زیرا کمی سازی و محاسبه آماری داده های کیفی کار دشواری است. خوشبختانه پروفیسور طی این چند روز برخی روش های کمی سازی را بیان کرد.

نمونه عینی که در کلاس بررسی شد محاسبه عوارض آزادراه بود. ما آیتم هایی مثل مسیرهایی که در اثر احداث بزرگراه به هم مرتبط می شود، رسته شغلی اغلب مسافران مسیر، ساعتی که در اثر کوتاه شدن راه ذخیره می شود و به کارایی شغلی مسافران کمک می کند را برای ارزیابی اقتصادی طرح، سنجدیم. طرح های زیرساختی آثار بلند مدت دارند در حالی که ما دنبال بحث های کوتاه مدت هستیم. دغدغه سرمایه گذار چیزی بیش از بازگشت سرمایه اولیه و سوددهی نیست؛ اینکه پروژه چه آسیبی به محیط زیست و بافت جامعه محلی می زند، محلی از اعراب ندارد؛ هیچ وقت فرای پروژه ای نگاه نمی کنیم؛ ذهنمان فقط و فقط محدود به همان پروژه است. فایده این دوره آموزشی برای من و سایر همکاران در وسعت دید فعلی است؛ در دیدن مسائلی است که سابق بر این به چشممان نمی آمد.

هشت سال قبل طرح توسعه کارخانه سیمان کرمانشاه به شرکت ما ارجاع

تاثیر می پذیرد.

خیلی خوب خواهد بود که برای دیگر بخش ها هم چنین

بخش شکفتی سازش این بود که فهمیدم علاوه بر دولت متأسفانه در کشور ما، دغدغه دوره ای برگزار شود تا این نگرش به نهادهای سرمایه گذار چیزی بیش از بازگشت سرمایه سرمایه گذار هم تسری یابد. بنده همین نکته ها می کند قوانینی هم جهت الزام سرمایه گذار بخش اولیه و سوددهی نیست؛ اینکه پروژه چه آسیبی به محیط زیست و بافت جامعه محلی می زند، از نظر وی خاصیتی وجود دارد.

اگر دغدغه های زیرساختی به قانون مبدل شود و الزام اجرایی بیابد، بعد از مدتی عادی می شود. مگر همین حالا امکان سنجی طرح ها در شرکت های عضو کانون معمول نشده است؟ این شکل ارزیابی هم عمومی می شود همان طور که پرداخت مالیات امری عادی و پذیرفته شده است.

بعد از توجه به این نکات است که شکل طرح نویسی مشابه بانک های خارجی می شود. وقتی به یک زبان واحد برسیم برای بانک خارجی چه فرقی می کند سرمایه اش به ایران برود یا کشور دیگر. نزدیک شدن داخلی و بین المللی بسیار مفید است. وقتی ارزیابی زیر ساخت ها دقیق محاسبه شده باشد؛ سنجش اجتماعی و اقتصادی صورت گرفته باشد، چرا به ما سرمایه ندهند؟

معتقدم سرمایه گذار بخش خصوصی هم بعد از آگاه شدن، مشتاق می شود که طرح را این گونه ببیند. البته منفعت طلبانی هستند که هیچ چیز جز سود برایشان مهم نیست و وقتی طرحشان رد می شود به مشاور دیگری رجوع می کنند. بعضی کارها قانونی است اما اخلاقی نیست.

می خواهم اهمیت اخلاق حرفه ای را گوشزد کنم. امری که باید در خودمان باشد؛ چیزی نیست که با قانون جا بیفتد، باید درونی شود و فکر می کنم فرهنگ سازی در این خصوص مهمترین وظیفه کانون است.



این دوره آموزشی می تواند سنگ بنای نگرشی جدید در امکان سنجی طرح، باشد

(رویان پلیمیر آریا) باغخانی

می گویم این دوره مهم بوده و سنگ بنای نگرشی جدید است. به نظر می رسد بانک صنعت و معدن در تلاش است تا رسالت بانک توسعه ای را اجرا کند.

عیان بود که کارشناسان سیستم بانکی به عنوان بازوی اجرایی روی این مدل کار کرده بودند و آشنایی قبلی داشتند. برگزاری این دوره برای شروع مسیر مناسب بود اما برای رسیدن به هدفی که ترسیم شده است این روند باید پخته تر و مدون تر طی شود.

به عنوان پیشنهاد، تدوین دستورالعمل اجرایی می تواند گام بعدی باشد. امیدوارم این حرکت سازنده ادامه یابد و ما نیز بیشتر از این از دیدگاه بانک های توسعه ای در دنیا استفاده کنیم.

دوره ای که به تازگی بانک صنعت و معدن برگزار کرده است، سنگ بنای پیشینی جدید در صنعت بانکداری است؛ نوعی حرکت به سمت بانکداری توسعه ای به معنای واقعی؛ امری که متأسفانه تا کنون مغفول مانده بود. رسالت بانک توسعه ای کنکاش در تمامی جوانب تحقق پروژه است. واکاوی عواید و مضراتی که ممکن است سالها بعد، در اثر اجرایی شدن پروژه در زندگی افراد به وجود آید، از وظایف بانک توسعه ای است. از این رو هدف این دوره، آفرینش نگاه ریزبینانه و ظریف به کارشناسان بانکی و مشاوران برای رصد کردن نکاتی بود که پیش از این محل توجه نبوده است و آن رصد کردن دقیق مؤلفه هایی در بررسی اقتصادی طرح است که شاید در بررسی های مالی جایگاهی نداشته باشند. این است که

دریافت حق الزحمه از سرمایه گذار، پاشنه آشیل مشاوران است!



..... مهدی غلام لو (صندوق مالی توسعه تکنولوژی ایران)

جدید دشوار است. دوستان بانک صنعت و معدن با آمادگی در دوره حضور یافتند. کاملاً به موضوع علاقه مند بودند، بانک هم سعی می کرد بخش جداگانه ای برای اجرایی کردن این نگرش فعال کند. پس همت تغییر در نهادهای مرتبط هست.

کشورهای توسعه یافته طرح هایی اجرا می کنند که به صلاح ملت شان باشد نه جیب سرمایه گذار. کسب و کار و درآمد مالی نباید به جامعه آسیب بزند، این یک استاندارد بین المللی است. اموری که به زیست بوم جامعه، زندگی فعلی مردم، آینده نسل های آتی و منابع زیرزمینی آسیب می زند، انجام نمی شود. حتی اگر بازدهی مالی کوتاه مدت داشته باشد. مثلاً جنگل ها را به علت سودآوری کوتاه مدت قطع نمی کنند کارهایی که کمکان در کشورهای توسعه نیافته انجام می شود. ما هم اگر می خواهیم به سمت توسعه یافتگی حرکت کنیم لاجرم باید با این موضوعات آشنایی داشته باشیم. بدانیم قیمت واقعی منابع زیرزمینی و نهادهایی که بی رویه مصرف می کنیم، چقدر است؟ حال که با قیمت ها و اعداد کار داریم، باید بتوانیم این دغدغه های ذهنی را به عدد تبدیل کنیم. این دوره کمک می کرد مطلب و دغدغه های اجتماعی جا بیفتد اما تبدیل دغدغه ها به عدد دشوار است. ضرب و تقسیم های خیلی ساده ای بود ولی اکثران با تعجب نگاه می کردیم چون دیدگاه پشت آن جذاب بود.

شرکت کنندگان تقریباً در عالی ترین سطوح اداری و بانکی بودند. روز آخر آقای افخمی (مدیر عامل بانک صنعت و معدن) هم آمد؛ دوستان سازمان برنامه هم در حد معاونت آمده بودند؛ از کانون هم، مشاوران پیشرو که به موضوعات متفاوت می پردازند، حضور داشتند اما بیش از ۵۰ نفر که نبودیم. تعمیق مطالب زمان می برد شاید لازم باشد کار با رویکردهای دیگر یا با افراد دیگر دوباره تبیین شود و در جزئیاتش بحث شود. پیاده کردن مفهوم دست کم یک سال زمان می خواهد؛ شرکت کنندگان باید افراد بالادست را قانع کنند. یک سال برای ساری و جاری شدن این مفهوم زمان می خواهیم و وقتی این کار صورت گرفت تازه با

روز اول دوره به معرفی بانک توسعه ای و رویکرد تحلیل اقتصادی گذشت که سؤالات زیادی همراه داشت، این نشان می دهد که نقش و مفهوم بانک توسعه ای مغفول مانده است؛ درباره محاسبه قیمت نهادهای اقتصادی مثل آب و برق هم بحث و پرسش در گرفت. این قیمت ها را چطور محاسبه کنیم؟ دو روز اول خیلی بحث شد.

روش محاسباتی کلاس ۸۰ درصد همان چیزی بود که اکنون در داخل کشور اجرا می شود ولی نوع تفکر و چارچوب تفکر چیزی بود که بعید می دانم به گوش ۲۰ درصد از افراد خورده بوده باشد. چیزی که ما در داخل کشور لازم داریم همین سبک تفکر است. زمانی که یک صفحه اکسل ساده می تواند NPV و IRR محاسبه کند دیگر احتیاجی به اینکه دویست صفحه کتاب بخوانید، نیست فقط باید به این فکر کنید که ارقام و اعداد سازنده IRR از کجا آمده است. منابع و مآخذ چیست؟ آیا در عالم واقع نمود پیدا می کند یا خیر؟ استفاده از این سبک تفکر وجه ممیز یک شرکت خوب و متوسط خواهد بود.

مفاهیمی که آقای ویز ارائه کرد، چارچوب تفکر نوینی بود. بحث های Cost Benefit Analysis در ایران مورد توجه نیست؛ مشکلات و چالش هایی که داریم هم مؤید این موضوع است. به عنوان مثال کشاورز ما با وجود بحران بی آبی و مشکلات خاص آن، هندوانه می کارد و محصول به عربستان صادر می شود. از نظر خودشان سود می کنند، سود مالی هم اتفاق می افتد ولی آیا از نظر اقتصادی برای منافع کشور مفید است؟ قیمت واقعی آب مصرفی چطور باید محاسبه شود؟ دریافت بنده این بود که دوره می خواست به سؤالاتی نظیر این جواب دهد. به همین علت دوستان سازمان برنامه هم در کلاس حضور داشتند چون آنها هستند که قیمت آب و برق و دلار را اعلام می کنند پس دوره برای آنها هم خیلی مفید بود؛ علامت سؤال های خوبی در ذهنشان ایجاد شد منتها به دلیل اینکه چند سالی سازمان برنامه عملاً از ریل خارج شده بود و کارشناسان قدیمی سازمان را ترک کرده اند، به نظر بنده کار نیروهای



سئوالات زیر دست مواجه می شویم. بحث تجزیه و تحلیل مالی با رایانه که بتواند این دیدگاه را ترویج کند. حداکثر بتوانیم جلسه ای با اعضا یک زمانی این قدر متداول نبود اما الان اکثر افراد به جزییات هم مسلطند. این موضوع هم باید به همین حالت برسد و مبارکی است اما اینکه فکر کنیم با

برگزاری یک دوره محقق می شود، اشتباه است. ما شرکت های مشاوره چون پول را از سرمایه گذار می گیریم این پاشنه آشیل ماست! نمی توانیم بیش از حد به اجرای این رویکرد اصرار کنیم. مادامی که پول را از مجری طرح می گیریم دستان خیلی باز نیست اما اگر روزی بخواهیم به نهادی که اهمیت این نگرش را درک کرده، خدمات ارائه دهیم، آن وقت می توانیم اصولی کار کنیم. کارفرمایان فعلی ما این دغدغه را ندارند اما باید در نشر و گسترش این دیدگاه بکوشیم.

کسب پول از هر راهی و به هر قیمتی معضل جامعه ماست. در چنین بستری نمی شود به موضوعات این چنینی اصرار کنیم چون باید در شرکت را ببندیم دوستان دیگر هم همین طور، ولی اگر روزی کارفرمایی با منطق اقتصادی درست داشته باشیم توانایی سنجش داریم. برای همین فکر می کنم ترویج این موضوع و ارتباطات قوی مؤثر است. برای ترویج قدم برداریم. گام اول این است که اعضای کانون برای جمع بندی و ذخیره یافته ها و آموخته ها نشست داشته باشند. گام بعدی ترویج این رویکرد در نظام بانکی است که بانک صنعت و معدن پیشرو خواهد بود و در نهایت ترویج دولتی که متولی اش سازمان برنامه و بودجه است. اما سازمان به قدری کند حرکت می کند که روند بسیار طولانی می شود. تا وقتی تفکر ترویج نشود، نمی توانیم ایده را عملی کنیم. باید منابعی به زبان مادری داشته باشیم تا همه شرکت ها و اعضا استفاده کنند. جزوه "ویز" را به زبان مادری روان ترجمه کنیم؛ به هر حال زبان مادری فهم متفاوت می آورد. این کلیت ماجراست.

یک نکته خیلی ساده که روز اول و دوم خیلی اصرار کردیم این بود که با نرخ لایبر ۴ درصد، بانک جهانی و بانک توسعه آسیا وام با بهره ۱۲ درصد می دهند حال ما با تورم ۲۰ درصد و نرخ بهره بانکی ۲۰ درصد، برای کار اقتصادی چه نرخ بهره ای تعیین کنیم؟ این سؤال را که کردیم استاد به فکر فرو رفت خیلی هم بحث کرد و فکر کرد؛ در نهایت گفت خودتان باید حساب کنید. خوب خودکی باید حساب کند؟ این اولین سؤال است.

این ها را می گویم که بدانیم عملیاتی کردن مفاهیم دوره از دست ما و کانون خارج است. نهادهای قانونگذار و برنامه ریز باید تصمیم بگیرند. قرار بود سازمان برنامه و بودجه به عنوان نهاد برنامه ریز و بانک صنعت و معدن به عنوان بانک توسعه ای کارگروهی جهت اجرایی شدن مفاهیم تشکیل دهند، پیشنهاد می کنم کانون نیز حضور داشته باشد.

عنوان بانک توسعه ای کارگروهی جهت اجرایی شدن مفاهیم تشکیل دهند، پیشنهاد می کنم کانون نیز حضور داشته باشد. بار ترویج هم روی دوش آنها باشد که امکانات لازم مالی را دارند. کانون بودجه خاصی ندارد



ممکن است پروژه ای که از لحاظ مالی کاملاً توجیه پذیر است از نظر اقتصادی توجیه نداشته باشد

(سنجش امکان طرح) پریسا گل نبی

از ارزیابی مطرح می شود. علاوه بر این باید بدانیم ریسک پروژه چقدر است؛ تقاضا برای پروژه چقدر و میزان تمایل به پرداخت مصرف کننده ها به چه میزان است.

یاد گرفتیم که ممکن است حتی پروژه ای که از لحاظ مالی کاملاً توجیه پذیر است از نظر اقتصادی توجیه نداشته باشد. در حال حاضر در کشورمان فقط به مطالعات مالی توجه می شود و مطالعات اقتصادی تقریباً کمتر انجام می گیرد، وقتی هم انجام می شود که کارفرما چنین چیزی را بخواهد؛ طرح هم به راحتی تصویب می شود چون مورد مالی برای سیستم بانکی و کارفرمایان مهم تر است.

با وجود این تکیه بر ابعاد اقتصادی طرح به دلیل هزینه بری برای کارفرما پذیرفته نیست. علاوه بر این زمان اجرای پروژه هم طولانی تر خواهد شد. طبعاً این عوامل افزایش هزینه ها را به دنبال دارد؛ کارفرمایان معمولاً دنبال سود هستند به همین دلیل ارزیابی مالی را کافی می دانند.

بحث و گفتگو در کلاس زیاد بود مثلاً یکی از شرکت کننده ها درباره ارزیابی پروژه ای حرف زد و گفت فقط بخش مالی آن را بررسی کردند

مطالبی که در این دوره آموزشی آموختیم جالب و مفید بود، حتی برای فردی مثل من که اقتصاد خوانده ام بعضی مفاهیم تازه بود، یعنی اصلاً این مفاهیم را نشنیده بودم. استاد در مباحث خود بر حفظ محیط زیست - که در مطالعات امکان سنجی کشورهای توسعه یافته مورد توجه است - و تمایل به پرداخت مصرف کننده ها هم تأکید کرد؛ در ایران هنگام بررسی پروژه های تولیدی، قدرت خرید مصرف کننده مؤلفه مهمی نیست و در واقع این مطالعات به علت هزینه بر بودن انجام نمی شود. کارفرما هم موافق انجام این مطالعه نیست در صورتی که به نظر من این سرفصل هم حتماً باید در گزارش ها باشد.

مسائل کلان در بررسی اقتصادی طرح، مهم است. مثلاً استاد درباره توزیع سود پروژه و مفهوم فقر صحبت کرد؛ سود پروژه بین چه افرادی تقسیم می شود؟ به لحاظ اقتصادی بعد از اجرای هر پروژه، سود آن عاید ساکنان منطقه می شود بنابراین اگر پروژه در منطقه محروم اجرا شده باشد، سود زیادی به مردم آن منطقه خواهد رساند و سطح زندگی مردم را بالا خواهد برد. پرفسور به ما یادآوری کرد که در همه جای دنیا این سؤالات قبل



و وقتی جلوتر رفتند به مشکلات مهمی برخورد کردند که قابل حل نبود. وی معتقد بود اگر آیتم هایی را که در ارزیابی اقتصادی مهم است انجام می دادند خیلی زودتر متوجه مشکل می شدند و طبعاً یا زودتر هم رفع می کردند و یا اصلاً پروژه را اجرا نمی کردند.

نکته جالب این بود که طی بررسی نمونه های واقعی

که استاد برای روشن شدن موضوع مثال می زد امیدوارم بانک ها مسائل مربوط به ارزیابی اقتصادی را در فرم هایشان بگنجانند. گزارشی که همه جوانب را دیده بود اما در عین حال کوتاه و مفید بود، در حالی که ما اگر چنین گزارشی مختصری را ارائه کنیم کارفرما نمی پذیرد و فکر می کند مشاور کاربرد نیست. تقصیری هم ندارد چون در فرهنگ ما مختصر بودن نشانه ضعف است. باید بپذیریم که موضوع مهم

مراوده با سیستم بانکی دنیا و یافتن زبان مشترک

با آنهاست. برای بهتر شدن روابط و کار کردن با

کارشناسان خارجی لازم است که چنین گزارش هایی

تهیه کنیم؛ باید به ارزیابی اقتصادی طرح توجه داشته باشیم تا هم

کارفرمای داخلی متوجه فوایدش شود و هم اگر یک کارشناس خارجی

خواست طرحی را ارزیابی کند، گزارش ما استاندارد باشد. در این صورت

برای پروژه های بزرگ می توانیم از بانک های خارجی وام بگیریم.

امیدوارم بانک ها مسائل مربوط به ارزیابی اقتصادی را در فرم هایشان

بگنجانند و اگر قرار است به پروژه ای تسهیلات اختصاص دهند حتماً

ارزیابی اقتصادی، در کنار مطالعه مالی دیده شود. طبعاً اگر این سرفصل در فرم ها بیاید و اجباری شود همه مشاوران به ارزیابی اقتصادی، و چگونگی سنجیدن آن توجه می کنند.

این انتقاد را هم دارم که قطع کردن صحبت های پرفسور به

بهبانه ترجمه، باعث شد ایشان از جایی به بعد روی

مطالعات موردی و مثال ها تأکید نکند و بازدهی

کلاس پایین بیاید. تأکید بر کامفار مشکل دیگر

دوره بود. این نرم افزار نقص هایی دارد که در

اکسل نیست. ورود داده در کامفار محل بحث

است به نحوی که کار را پیچیده می کند و

حتی ممکن است نتایج مختلفی را به دست

دهد. در صورتی که الان مدل های اقتصادی

را با اکسل می بندند. برای پیشرفت باید نقاط

ضعف را پوشش داد نه اینکه روی راه رفته،

تأکید کرد. می دانید فقط حرف زدن کافی نیست،

عملیاتی کردن مهم است. برای اجرایی کردن طرح،

آیتم های زیادی ضرورت دارد. مهمترین بخش این

است که با اجرایی کردن این ایده، هزینه طرح ها بالا می رود.

اجرایی شدن طرح زمان می برد در صورتی که به نظر من هزینه فرصت،

بسیار بالاست و باید حواسمان به زمان باشد چون زمان خیلی باعث

پیشرفت می شود. جا ماندن از زمان، ما را به عقب می برد. برای اینکه

فشار زیاد نباشد بهتر است در قدم اول ارزیابی اقتصادی برای بعضی

پروژه های کلان که منفعت اش جمعیت بیشتری را پوشش می دهد،

الزامی شود و بعد رفته رفته برسیم به پروژه های خردتر.

ممکن است حتی پروژه ای که از

لحاظ مالی کاملاً توجیه پذیر است از نظر

اقتصادی توجیه نداشته باشد. در حال حاضر در

کشورمان فقط به مطالعات مالی توجه می شود و

مطالعات اقتصادی تقریباً کمتر انجام می گیرد،

وقتی هم انجام می شود که کارفرما چنین چیزی

را بخواهد.

ترجمه همزمان به درک بهتر مفاهیم کمک می کند



رویا قربانی (نویسنده پژوهان پارسی تارا)

یک جاهایی برای طرح های اقتصادی و جایی هم برای FS اختصاص دارد و کاری که ما می کنیم FS است. استاد اصلاً از کامفار استفاده نکرد؛ همه کار با اکسل انجام می شد و البته ساده سازی کرده بود. کامفار ۳ ایرادهایی دارد اما اکسل برنامه نویسی شده است و می تواند کارهایی را که کامفار می کند کامل تر انجام دهد. ترجیح خود ما هم استفاده از نرم افزار اکسل است چون ریزتر است و قابلیت رفع اشکال دارد.

استفاده از مفاهیم این کلاس برای طرح نویسی بین المللی مفید خواهد بود. اگر بعدها خواستیم از بانک های خارجی تسهیلات بگیریم این شکل از طرح نویسی قابل استفاده خواهد بود. مفاهیمی که در این کلاس مطرح شد جامع بود و محدودیت نداشت و راه را برای تأمین مالی پروژه باز می کرد. اما در فرمت های خودمان قابل استفاده نیست یعنی فرمت های ما به گونه ای است که فقط در داخل کشور مورد استفاده قرار می گیرد. برای در آوردن این فرمت باید چند نمونه موردی داخلی را بررسی کنیم تا معلوم شود که عملی است یا نه. در واقع کلاس بیشتر تئوری بود و قابلیت اجرایی کمی داشت.

یکی از ایرادها این بود که در میانه مباحث شروع می کردند به ترجمه

مباحث ریسک پروژه و شناخت عواملی که ریسک طرح را بالا می برد، آموزنده بود. تأمین مالی پروژه و راهکارهای خاصی که استاد برای تأمین مالی طرح پیشنهاد می داد، جالب بود؛ تأمین مالی پروژه را خوب تشریح کرد. ما متوجه شدیم که خیلی از چیزهایی که در FS فکر می کنیم، مورد نیاز پروژه است و در واقع بر روی پروژه بار می شود.

در این کلاس شاخص هایی معرفی شد که ما هنگام محاسبه IRR در نظر نمی گیریم؛ فقط نقدینگی ها را لحاظ می کنیم. اما مفاهیمی که طرح شد اصلاً در شرایط کنونی کشور قابلیت اجرایی ندارد. به طور مثال ما نرخ تنزیل مشخص نداریم. بانک صنعت و معدن، سازمان برنامه و بودجه و افرادی که دستی در طرح نویسی دارند باید این شاخص را مشخص کنند. اگر این اتفاق نیفتد هر کدام از شرکت های مشاوره عدد خاصی در نظر می گیرند که باعث تشکیک در درستی و همسانی نتایج خواهد شد. این امر در سرمایه گذاری هم اثرگذار است و در نهایت سرمایه گذاری ها متفاوت می شود و یا حتی شاید باعث بشود طرحی توجیه نداشته باشد. چیزی که در کلاس مطرح شد با چیزهایی که تا به حال می دانستیم، متفاوت بود، فرمت اقتصادی داشت. اصلاً FS ما فرق دارد. در کامفار

عملی می شود یا نه.

پیشنهاد من این است که اگر قرار است این دوره تکرار بشود به ترجمه همزمان توجه کنیم. تجربه ای من در سازمان مدیریت داشتیم که مفید بود؛ استاد انگلیسی حرف می زد و مترجم همزمان داشت و ما با هدفون گوش می دادیم. این روش به درک درست مفاهیم کمک می کند. هر جور هم فکر کنید بعضی از مسائل خیلی تخصصی است و درک دقیق آن دشوار است. خوب است مفاهیم کلاس در کتاب یا جزوه با مثال هایی از جامعه خودمان جمع بندی شود و در اختیار مشاوران قرار گیرد و شاخص هایی مثل نرخ تنزیل که مورد نظر پروفیسور بود و خودشان در بانک توسعه آسیا انجام داده بودند، تعریف شود.

مفاهیم که رشته کلام را از دست استاد خارج می کرد و ذهن ما را هم از هم می گسیخت. کاش ترجمه همزمان داشتیم و همه استفاده می کردیم چون بعضی از اصطلاحات را متوجه نمی شدیم، لغاتی به کار برده می شد که چون ما اقتصاد نخوانده بودیم، نمی دانستیم. تقریباً همه شرکت کنندگان در کلاس از این نظر مشکل پیدا کردند. مشکل دیگر اینکه مثال ها از قبل طراحی شده بود و ما تقریباً هیچ کار عملی انجام ندادیم؛ فرصت ورود داده نبود اگر ایراد هم داشتیم نمی شد پرسید؛ بیشتر تئوریک کار کردند. همه چیز تئوری بود؛ استاد مثال های کاربردی از جامعه خودمان در اختیار نداشت و این باعث شد، کلاس خسته کننده باشد. در هر حال نمی دانم که تئوری ها





فرشاد عباسی

در محاسبه منابع مالی باید پارانه‌ها تفکیک شده

(ایریتک)

که در برنامه ریزی پروژه‌ها و تصمیم برای دادن اعتبار به آن‌ها دخیل هستند باید دیدگاه اقتصادی را لحاظ کنند. برای تغییر این زیربنا تغییرات زیادی باید رخ دهد. تا وقتی اصلی‌ترین منبع درآمد کشور نفت است و با اقتصاد تک محصولی مواجه هستیم، دولت ناگزیر از دادن یارانه و کمک خاص به بخش‌های مختلف اقتصادی است؛ هرگاه این چرخه شکسته شد یا درآمد نفت در صندوق ذخیره ارزی یا صندوق توسعه ملی یا هر محل دیگری که به صورت هزینه جاری به آن نگاه نمی‌شود، ذخیره شد؛ آنگاه گزینه‌ای برای تأمین منابع مالی پروژه‌هاست و در آن شرایط احتمال اینکه رویه عوض شود، بیشتر خواهد شد.

خودمان خیلی وقت‌ها متوجه نقضها نیستیم. وقتی از بیرون به مجموعه نگاه می‌کنیم ایرادها و نقاط ضعف را می‌بینیم. مزیت برگزاری این گونه دوره‌های آموزشی، اصلاح نگرش خودمان و مجموعه اقتصاد مملکت از دیدگاه ناظر خارجی است.

بعد از برداشته شدن تحریم‌ها، قابلیت ارائه منابع مالی از مراجع مختلف سرمایه‌گذاری از جمله بانک‌های توسعه‌ای برای ایران فراهم می‌شود. همچنین آموزش، فرصتی است برای مدیران میانی و کارشناسان که با دیدگاه بانک‌های توسعه‌ای در ارزیابی طرح‌ها آشنا شوند. وقتی بین صاحب پروژه و بانک توسعه ارتباط مالی برقرار شود فرم‌هایی رد و بدل خواهد شد که اطلاعات اولیه برای بررسی بانک در آن وارد می‌شود. حال که روح حاکم بر مناسبات جاری بانک برای پذیرش پروژه‌ها توسط افرادی که در کلاس بودند درک شده، بالطبع اطلاعات را درست وارد می‌کنند. افرادی که این دوره را گذراندند، لزوماً به عنوان ارزیاب بانک توسعه‌ای خدمات ارائه نمی‌دهند اما با مسائلی آشنا شدند که بتوانند اطلاعات درستی وارد کنند.

متوجه شدم که کانون بعد از برگزاری این دوره می‌خواهد آموزش داخلی به عنوان ادامه روند آموزشی داشته باشد که طرح خوبی هم هست. آنهایی که علاقه‌مندند ابراز آمادگی کنند تا با مفاهیم دوره بیشتر آشنا شوند. در خصوص دوره‌های مشابه هم ضمن تشکر از کانون و بانک صنعت و معدن خواهان ادامه روند هستیم.

در حال حاضر بیشتر مطالعات فنی و اقتصادی بر اساس بررسی‌های مالی انجام می‌شود که تفکیک منابع هزینه و درآمد در آن اهمیت چندانی ندارد اما استاد این دوره از لحاظ مفهومی به تفکیک بین منابع قائل بود. او منابع را به خصوص در زمینه ارائه یارانه‌های دولتی یا معافیت‌های مالیاتی خاص، از هم متمایز می‌کرد. حال آنکه ۹۰ درصد مطالعات فنی و اقتصادی ما بر مبنای محاسبات مالی انجام می‌گیرد و تنها ۱۰ درصد از مطالعات به دیدگاه استاد نزدیک است. در شکل فعلی دغدغه بانک‌های ما هم برآورده می‌شود چون نیازهایشان بر همین روال است اما استاد به عنوان مشاور بانک توسعه منطقه‌ای می‌گفت منابع باید روشن باشد و یارانه‌ها تفکیک شود زیرا مبنای قیمت در مطالعات اقتصادی از دیدگاه بانک توسعه‌ای، بدون احتساب یارانه‌هاست. در شکل جدید، حاصل کار مشاور، گزارشی است که نشان می‌دهد پروژه از درون خودش قابلیت سودآوری دارد یا خیر؛ به عبارت دیگر اگر حمایت‌های دولتی پروژه قطع شود، می‌تواند به حیات خودش ادامه دهد؟

مفهوم کلی این بود که پروژه‌هایی که در کشورهایی مثل ایران اجرا می‌شود از کمک‌های دولتی و غیردولتی بهره می‌برند و بانک توسعه‌ای در ارزیابی طرح باید قیمت واقعی را در نظر بگیرد و تمام معافیت‌ها جدا شود. هزینه واقعی آب باید بررسی شود نه آب یارانه‌ای یا بنزین و برق که با منابع یارانه‌ای به مردم عرضه می‌شود. دیدگاه بانک توسعه‌ای می‌گوید همه یارانه‌ها را حذف و با الگوی بین‌المللی به طرح نگاه کنیم اما بانک داخلی، مطالعات مالی را که یارانه‌ها و معافیت‌های مالیاتی را در نظر نمی‌گیرد به راحتی می‌پذیرد چون مشاور در پوششی این کار را انجام می‌دهد که همه این ملاحظات داخل همان پوشش است. قیمت‌هایی که در نظر گرفته می‌شود بر مبنای همان یارانه‌هایی است که به نوعی خود بانک هم از آن برخوردار است. پس هنگام طرح نویسی این فاکتور را در نظر می‌گیریم چون برای بانک داخلی توجیه پذیر است اما بانک‌های توسعه خارجی، معیارهای خاص خود را دارند و منابع را تفکیک می‌کنند.

تا وقتی بنیان‌ها متفاوت نشود، تغییر در دیدگاه نیز رخ نمی‌دهد؛ آنهایی

ایجاد نگرش کلی در مورد مفاهیم اقتصادی را می توان مهمترین مفهوم و هدف این دوره دانست



..... مجید کمال لو (صندوق مالی توسعه تکنولوژی ایران)

و اما در مورد اجرای مفاهیم باید بگویم این مفاهیم قطعا به طور خام، در کشور ما قابلیت عملیاتی شدن ندارند. زیرا نوع نگاه ما در کشور بسیار متفاوت است. به نظرم برگزاری دوره های بیشتر جهت آشنایی با مفاهیم اصلی تحلیل اقتصادی و بومی سازی این مفاهیم، نقش مهمی در توسعه و اجرایی کردن آن دارد. بررسی نمونه های واقعی داخلی به طور عملی نیز به آشنایی و تسلط بیشتر بر موضوع، کمک خواهد کرد که این مورد با توجه به کوتاهی و فشرده بودن دوره و حجم بالای مطالب، محقق نگردد. علاوه بر این نهادهای تصمیم ساز و تصمیم گیر نیز باید به ضرورت استفاده از این مفاهیم پی ببرند و به صورت یک الزام به آن نگاه کنند. به این منظور نقش قانون و بانک صنعت و معدن در جهت معرفی این مفاهیم و الزام استفاده از آن و انتقال آن به نهادهای ذی نفع و تصمیم گیرنده، بسیار اهمیت دارد. این دوره با یک جمع ۵۰ نفری برای رسیدن به این هدف بسیار کوچک بوده و اشاعه این مفاهیم نیاز به گردهمایی های بزرگتر با حضور فعالان این حوزه دارد.

هدف از برگزاری این دوره تسلط به مفاهیم اقتصادی و انجام محاسبات بوده است. آشنایی با مقوله تحلیل اقتصادی و نگرش کشورهای پیشرفته به این موضوع و اهمیت آن، مهمترین مفاهیمی بود که در ذهن بنده و سایر شرکت کنندگان - بنا بر صحبت های صورت گرفته بین شرکت کنندگان دوره - شکل گرفت. قطعا ایجاد این نگرش با توجه به جدید بودن مطالب ارائه شده، گام مهمی برای شروع خواهد بود. معمولا پس از تحقق نگرش است که عمل واقعی صورت می گیرد...

امیدوارم این دوره ها با کیفیت و تعداد شرکت کننده بیشتر، به زبان فارسی برگزار شود.

استاد دوره در حوزه تحلیل مالی و اقتصادی، تجربه زیادی داشت و در حین دوره تجارب عملی خوبی از بانک توسعه آسیا به شرکت کنندگان منتقل کرد که اغلب آنها تا به حال در کشور ما مورد استفاده قرار نگرفته است. بنابراین سطح انتقال دانش و تجربه نسبت به مدت ۵ روز دوره بالا بود اما نکته حائز اهمیت این است که مفاهیم ارائه شده هرچند با نگاه تازه های ارائه میشد اما به زعم بنده نیاز به پیش زمینه هایی داشت که می بایست قبل از دوره آموزش داده میشد تا انتقال دانش به بهترین شکل ممکن صورت می گرفت. در واقع مباحث اقتصادی بسیار پیچیده بود و تسلط به آن برای شرکت کنندگانی که پیش زمینه ها و رشته های تحصیلی متفاوتی دارند دشوار بود. بنابراین ایجاد یک نگرش کلی در مورد مفاهیم اقتصادی را میتوان مهمترین مفهوم و هدف این دوره دانست. متأسفانه در کشور ما تحلیلهای اقتصادی خیلی رایج نیست و چیزی که به عنوان تحلیل اقتصادی صورت می گیرد عملا با مسایل مطروحه توسط پرفسور ویز تفاوت های زیادی دارد. نرخ تنزیل، چالش های پیشروی سرمایه گذار و سرمایه پذیر و نرخ بازده سرمایه گذاری مورد انتظار، از عمده ترین تفاوت های فعالیت های فعلی در کشور و خارج از کشور است که باعث شده تا نگاه موجود در کشور به سرمایه گذاری، با کشورهای پیشرفته تفاوت داشته باشد. همچنین روش های مورد استفاده برای محاسبات و تحلیل نیز بسیار جالب توجه بود، در حال حاضر بانک های کشور تمرکز شدیدی به نرم افزارهای مالی مخصوصا کامفار دارند در حالی که با پرسشی که بنده از استاد دوره داشتم حتی در بانک توسعه آسیا نیز این نرم افزار و نرم افزارهای شبیه به آن خیلی مورد توجه نیست و نوع تحلیل و نگاه به مسایل اهمیت بیشتری دارد.



اولین گام برای تجزیه و تحلیل اقتصادی طرح آگاهی از حداقل نرخ بازدهی اقتصادی است

..... (مهندسی بین المللی فولاد تکنیک) لیلا نیلفروشان

اقتصادی در کشور تهیه نشده است و اولین گام برای شروع این است که بدانیم، حداقل نرخ بازدهی اقتصادی چه عددی باید باشد. نرخ مذکور در مطالعات بانک توسعه جهانی به صورت دقیق مشخص شده است و تأمین مالی و کمک در پروژه هایی انجام می شود که رفاه عمومی را به همراه داشته باشد.

عملیاتی شدن مفاهیم، نیازمند تهیه یک دستور العمل کامل و جامع در تجزیه و تحلیل اقتصادی طرح هاست. با توجه به اینکه ما در مراحل ابتدایی مطالعات اقتصادی هستیم، عملیاتی شدن مفاهیم ممکن است نیازمند صرف زمان زیادی باشد اما آنچه در مطالعات فعلی یاری گر است طرح این پرسش است که آیا اجرای هرکدام از طرح های مورد بررسی منفعتی برای کشور به همراه دارد یا خیر؟ در صورتی که طرح مورد نظر اجرا نشود چه جایگزین هایی می توان برای طرح در نظر گرفت؟

شاید بتوان این گونه بیان کرد که در حال حاضر تجزیه و تحلیل اقتصادی با فرمت اقتصادی کشور هماهنگ نیست. طرح های متعددی در دست اجرا است که در بسیاری از آنها، منافع کلان اقتصادی به صورت کامل در نظر گرفته نشده و یا به بیان دیگر شرایط اقتصادی آن به صورت کامل تجزیه و تحلیل نشده است و نمی دانیم که آیا اجرای طرح در بخش مورد نظر به افزایش تولید ناخالص داخلی کشور کمک می کند یا می تواند از واردات برخی از مواد مصرفی کشور جلوگیری نماید؟

در واقع تحلیل اقتصادی کامل نیازمند مشخص بودن وضعیت تقاضا و عرضه در آن صنعت است. شاید اجرای طرح با برخی از سیاست های کلان کشور هماهنگی نداشته باشد. بنابراین تحلیل شرایط بازار در کشور، به بررسی دقیق تر نیاز دارد. اهمیت این نکته با توجه به تجربیات چند سال گذشته آشکارتر شده است.

مهم ترین مفهومی که در پایان این دوره بسیار مورد توجه من بود محاسبات انجام گرفته برای انتخاب قیمت یک کالا در پروژه تحت بررسی با توجه به تمایل به پرداخت از سوی مصرف کننده، تمایز قائل شدن در پروژه هایی بود که افزایش در عرضه یک محصول خاص را به همراه دارد و در واقع مشخص کردن آثار incremental و non-incremental و نحوه محاسبه ارزش اقتصادی هر کدام از اجزای مطالعه بوده است.

هدف از این دوره استفاده از تجربیات و آشنایی با شیوه کار بانک توسعه آسیایی در تجزیه و تحلیل اقتصادی طرح بود و بر همین اساس نیز تمرکز استاد در بدو امر مصروف آماده کردن فضای ذهنی شرکت کنندگان با نگرش و رویکرد تجزیه و تحلیل اقتصادی شد. نگاه تازه ای که به واسطه این دوره حاصل شد، توجه به اهمیت منافع حاصل از اجرای پروژه در سطح کلان اقتصادی بود و این نکته که توجیه پذیری مالی طرح ملاک اصلی بررسی نیست؛ به این معنی که تمام منافعی که طرح در عرصه اقتصاد کلان برای کشور به همراه دارد، همواره باید به عنوان مهمترین عامل تصمیم گیری مد نظر باشد. مبانی دانش روز، نظریه ها و تجربیات، به خوبی منتقل شد اما از همان ابتدا جای خالی کارگاه برای واکاوی نمونه های عینی احساس می شد. متأسفانه در مثال ها و برآوردهای انجام شده، شرکت کنندگان فرصت کافی برای اجرای محاسبات را نداشتند و تنها با صورت نمونه ها و محاسبات آشنا شدند.

در تحلیل های فعلی همواره دستیابی به نرخ بازگشت سرمایه بالاتر و توجیه پذیری طرح مورد توجه بوده است. اما در بررسی های تجزیه و تحلیل اقتصادی، منافع کلان اقتصادی بسیار حائز اهمیت است. تأکید شد که لازم است حتی در مطالعات مالی به آنچه که پس از اجرای پروژه بر شرایط اقتصادی حاکم می شود، و یا قبل از اجرای پروژه شرایط چگونه بوده، توجه شود. در واقع این توجه حتی با در نظر گرفتن ارزش های مالی نیز ضروری است.

در بسیاری از مطالعات انجام شده در کشور، به سختی می توان ارزش اقتصادی منافع و هزینه ها را محاسبه کرد که با توجه به عامل های تبدیل ارائه شده در این دوره شاید بتوان در آینده تجزیه و تحلیل های دقیق تر بر اساس ارزش های اقتصادی انجام داد. مطالعات مالی در ایران بیشتر بر اساس نرم افزار COMFAR انجام می گیرد. در این دوره با توجه به استفاده از نرم افزار Excel متوجه تفاوت در نحوه محاسبات شدیم. شاید در کنار محاسبات فعلی، استفاده از Excel بتواند دیدی کلی در محاسبات ارائه کند.

مهم ترین تفاوت در محورهای تحلیلی فعلی با مسائل مطرح شده استاد در این بوده است که اکنون هیچ قاعده و دستور العمل کلی برای مطالعات

قردانی رییس شورای عالی کانون از مشارکت **فعال تعدادی از شرکت های عضو در دوره آموزشی** **"تحلیل اقتصادی طرح ها"**



شرکت کارشناسان عضو کانون در این دوره که به اعتبار نظر کلی آنان، از ارزش آموزشی بالایی برخوردار بود، این امید را در دل همکاران شکوفا می کند که با بهره مندی از آموخته های تازه، گزارش های امکان سنجی در موارد مقتضی از وجه تحلیل اقتصادی نیز برخوردار گردد و به این ترتیب سرمایه گذار را بیش از پیش با واقعیت ها و عوامل تأثیرگذار بر تبعات اجرای طرح ها آشنا شده و بستر تصمیم سازی واقع بینانه تری فراهم شود.

شایسته یادآوری است که سهمیه محدود (و البته ارزشمند) کانون برای شرکت دادن کارشناسان عضو در این دوره آموزشی، سبب شد که فرصت حضور برای همه علاقه مندان عضو فراهم نشود که امید است با تکرار آن و فرصت های مشابه دیگر گام هایی جدی در تحول نگرش مشاوران اعتباری و سرمایه گذاری در تهیه گزارش های امکان سنجی برداشته شود.

رییس شورای عالی کانون از همکاری تعدادی از شرکت های عضو کانون در معرفی کارشناسان خود برای شرکت در دوره آموزشی "تحلیل اقتصادی طرح" قدر دانی و ضمن ارزشمند توصیف کردن این دوره آموزشی ابراز امیدواری کرد که گزارش های امکان سنجی از این پس در موارد لازم از وجه تحلیل اقتصادی نیز برخوردار شود.

در بخشی از نامه خانم گوشه به شرکت کنندگان در این دوره آمده است : حضور فعال عده ای از کارشناسان شرکت های عضو کانون در دوره آموزشی "تجزیه و تحلیل اقتصادی طرح" که زیر نظر پرفسور جان آلفرد ویز استاد بازنشسته مرکز توسعه بین الملل دانشگاه بردفورد انگلستان و به همت بانک صنعت و معدن برگزار شد فرصت ارزشمندی برای آشنایی با رویکردی فراتر از مطالعه بازار و تجزیه و تحلیل مالی طرح ها بود که به یقین نگرش حاضران در این دوره را متحول خواهد ساخت.

سرمایه گذاری شما با دریافت خدمات از مشاوران با صلاحیت کانون مشاوران اعتباری و سرمایه گذاری بانکی

ایمن می شود



تنها مرجع قانونی انتظامی مشاوران
در حوزه اعتباری و سرمایه گذاری بانکی در کشور
www.abcic.ir



بازدید مسئولان و کارشناسان کانون از کارخانجات گروه صنعتی شیشه و بلور کاوه

محصولات گروه صنعتی شیشه و بلور کاوه عبارتند از: ظروف بلور و شیشه، انواع شیشه جام، شیشه های خاص، آئینه، کربنات سدیم و بلوک شیشه.

همچنین در راستای تحقق خودکفایی در زنجیره مواد اولیه صنعت شیشه، این گروه محصولاتی مانند: کربنات سدیم سبک و سنگین، سیلیس، دولومیت، نیتروژن مایع، اکسیژن و هیدروژن را تولید و در فرایند فرآوری شیشه مورد استفاده قرار می دهد و مازاد آن را در بازار داخلی عرضه می کند.

بازارهای صادراتی

گروه صنعتی شیشه و بلور کاوه در بخش صادرات با اتخاذ و پیاده سازی سیاست های کاربردی مناسب و هدفمند، از روند رو به رشدی برخوردار بوده، به گونه ای که حجم صادرات آن از متوسط سالانه ۲۹ میلیون دلار در سال های ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹، به رقم ۵۰ میلیون دلار در سال ۲۰۱۰ افزایش یافته است که این رقم همچنان سالانه رو به افزایش است. محصولات این گروه صنعتی در قاره های آمریکا و اروپا به کشورهای کانادا، آلمان، ایتالیا، فرانسه، انگلیس، هلند، یونان، روسیه، بلغارستان، رومانی، اکراین، مجارستان، صربستان، بوسنی، آلبانی، کزو و در آسیا و خاور میانه به کشورهای هند، ترکیه، امارات متحده عربی، پاکستان، عربستان سعودی، سوریه، کویت، بحرین، ارمنستان، آذربایجان، تاجیکستان، قزاقستان، ترکمنستان، قرقیزستان، ازبکستان، گرجستان، افغانستان و عراق صادر می شود.

در قاره آفریقا نیز کشورهایی مانند افریقای جنوبی، الجزیره، لیبی، اتیوپی، تانزانیا، مصر خریدار محصولات این گروه صنعتی هستند.

در پایان بازدید خانم گوشه رییس شورای عالی کانون، با اشاره به اینکه مشاهده فعالیت های تولیدی موفق و نگرش اصالت کارآفرینی در شرکت های ایرانی به ویژه در شرکت های عضو کانون مایه دلگرمی است، برای مدیران، کارکنان و دست اندرکاران این گروه صنعتی آرزوی تداوم توفیق و دستیابی به افق های گسترده تر کرد.

تنی چند از اعضای شورای عالی و کارشناسان کانون، صبح چهارشنبه ۳۰ خرداد از کارخانجات گروه صنعتی شیشه و بلور کاوه در شهر صنعتی ساوه، دیدن کردند.

پیش از بازدید، نشست باحضور آقایان محمود عسگریان مدیر تولید این گروه صنعتی، امیرشروان مظاهری عضو هیأت مدیره و مدیر پروژه متانول کاوه، روشنی مدیر دفتر پتروکاوه افق (عضو کانون)، اشکپور از مدیران این مجموعه و خانم هما سادات گوشه و آقایان روح الله صادقلو، محمدرضا کمانی، علیرضا کریم زاده، امیر حسین پور، رئیسان و برخی از اعضای سابق و فعلی شورای عالی کانون برگزار شد. در این نشست که کارشناسان کانون نیز حضور داشتند، آقای عسگریان به تشریح فرآیند کاری گروه صنعتی کاوه و نقش شرکت پترو کاوه در پیشبرد اهداف این گروه اشاره کرد و گفت: پتروکاوه افق یکی از شرکت های زیرمجموعه گروه صنعتی شیشه و بلورکاوه است که توسط برخی از متخصصان گروه با مأموریت تشکیل یک شرکت تخصصی مهندسی و مطالعات توجیهی تأسیس شده است. وی افزود: پترو کاوه به اتکای دانش تخصصی و تجربه کاری نیروهای زبده خویش، در عمل، مسئول طرح و برنامه ریزی و مغز متفکر این گروه صنعتی به شمار می رود.

گروه صنعتی شیشه و بلورکاوه که توسط حاج ابراهیم عسگریان در سال ۱۳۶۰ پایه گذاری و تأسیس شده است در بخش شیشه، شامل زنجیره کاملی از استخراج و بهره برداری از معادن مواد اولیه، دانه بندی، تولید کربنات سدیم و انواع شیشه های فلوت ساده، شیشه های خاص و رنگی، بلور، ظروفات شیشه ای می باشد که همچنین در بخش فرآوری ثانویه تولید انواع شیشه های رفلکس، آینه ای و لمینیت نیز فعالیت می کند و در تکمیل زنجیره نیازهای واحدهای تولیدی مجموعه، به طور اختصاصی دارای کارخانه های ماشین سازی، سازه های سنگین فلزی و بسته بندی نیز می باشد که هریک با هویت حقوقی مستقل زیرمجموعه این گروه صنعتی، فعالیت می کنند. در این مجموعه قریب به ۵۵۰۰ نفر به صورت مستقیم به کار اشتغال دارند که با توجه به سایر شاخه های فعالیت گروه، این رقم به ۷۰۰۰ شغل افزایش می یابد.

کمیته بازنگری آیین نامه ها با پشتوانه خرد جمعی و همفکری نشست های هم اندیشی گام پر می دارد



محمد صادق خوشنویس انصاری عضو ادوار اول و دوم شورای عالی کانون، به تبع مسئولیت هایی که در دوره های یاد شده در کانون داشته در تهیه و تنظیم آیین نامه های اجرایی کانون نقشی فعال ایفا کرده، اینک به عنوان عضو کمیته بازنگری آیین نامه ها در کنار سایر اعضای کمیته به این مهم مشغول است. او از اهداف کمیته، اولویت ها، کاستی ها و برنامه های کمیته در بازنگری آیین نامه های کانون می گوید :

صادق و هم چنین بهره گیری از کارشناسان با تجربه سازمان مدیریت و برنامه ریزی و وزارت صنعت، معدن و تجارت و رهنمودها و ارشادهای جناب آقای امینی مدیریت وقت امور روشها و نهادهای بانک صنعت و معدن که با سالها تجربه در انتظام امور مشاوران بانکی خالصانه کانون را یاری کردند، صورت پذیرفت و اینجانب نیز به عنوان عضو کوچکی در اکثر کارگروه ها همکاری داشتم.

از آنجا که طی دوره های دوم و سوم که دوران تثبیت جایگاه بیرونی کانون است به طور مستمر از طریق تشکیل کارگروه های تخصصی و مکاتبات اعضا و استفاده از خرد جمعی و هم چنین گزارش های

ایجاد کمیته تدوین و بازنگری دستورالعمل ها و آیین نامه های کانون، پاسخ به یک نیاز جدی در تداوم انتظام هرچه منطقی تر امور اعضای کانون بوده است، اما خوبتر است که فلسفه ایجاد این کمیته را از زبان شما بشنویم.

همان گونه که آگاهید تهیه و تدوین کلیه آیین نامه ها و دستورالعمل های کانون بر اساس تکالیفی که اساسنامه کانون به عهده شورای عالی گذارده است، طی دوره اول دوساله شورا به عنوان دوره شکل گیری تشکیلاتی و سازمان دهی داخلی کانون، با همه اعضای شورای عالی بالاخص آقایان داوری فر، میرزاخانیان و صمیمی دهکردی در کارگروهها و هدایت آقای



است، می تواند از تجربیات گذشته به عنوان چراغ راه آینده بهتر و حرکت رو به جلو، بهره گیری کند.

با توجه به گذشت حدود ۵ ماه از تشکیل کمیته بازنگری به نظر شما چه موارد مهمی مشاهده شده که لزوم بازنگری در این مرحله را با اهمیت و ضروری می نماید.

مواردی در بازنگری ضروری به نظر می آید. در آیین نامه فعلی دیدگاه شرکت های مهندسی مشاور غالب است به طوری که امتیاز کلیدی و بالا به رشته های مهندسی و امتیاز مرتبط و کمتر به رشته های اقتصاد، مالی و مدیریت داده می شود در حالی که نیاز مبرم حرفه مشاور سرمایه گذاری و بانکی بهره گیری از ۳ تخصص کلیدی مهندسی، اقتصادی و مالی است. اگر نیروی انسانی بخش امکان سنجی شرکتی حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد مهندسی و ۱۰ تا ۲۰ درصد اقتصادی و مالی باشد و یا بالعکس نمی تواند به عنوان مشاور سرمایه گذاری وظیفه حرفه ای مورد قبول مؤسسات و نهادهای اعتباری و بانکی و متقاضیان را تأمین کند. این تعارض سبب شده که تاکنون بیش از یکصد عضو رتبه نداشته باشند. خوشبختانه در اواخر دوره دوم راهکاری در شورای عالی اندیشیده شد تا مراحل عضویت و رتبه بندی ادغام و بازه زمانی شش ماهه برای تبدیل عضویت و رتبه بندی آزمایشی، با ادواری جایگزین شود.

اشکال دیگر در روش امتیاز دهی فعلی است. برای رتبه بندی مشاوران امتیازهای سازمانی ۷۰ درصد و امتیازهای نیروی متخصص ۳۰ درصد است که این تسهیم با توجه به جایگاه نیروی انسانی متخصص در این حرفه، نیاز به بازنگری دارد. مسأله بعدی امتیاز بالایی است که بر اساس آیین نامه فعلی به سوابق کاری و تجربه کاری شخصیت حقوقی فعلی مشاوران تعلق می گیرد و سوابق و تجربیات کاری قبلی اشخاص اهمیت کمتر دارد. همچنین باید تمهیدی اندیشید که در تخصیص امتیاز به مؤلفه هایی مانند تعداد نیروهای تمام وقت، پاره وقت و پروژه ای، نوع دوره های آموزشی حرفه ای، سوابق مرتبط کارکنان، سوابق مدیریتی اعضای هیأت مدیره، ارتباط تخصص و تجربه با وظایف محوله، متوسط سابقه مرتبط کارکنان و هیأت مدیره، استانداردهای شغلی، شرح وظایف، وجود بخش مطالعات امکان سنجی و نظارت، اعمال سلیقه به کمترین حد ممکن برسد و امتیازها با شفافیت بیشتر اختصاص یابد.

ایراد دیگر این است که با توجه به حاکمیت نگاه حداکثری در استفاده از امتیاز بالا، اغلب افراد با سنین بالا و سوابق طولانی جذب می شوند و نیروهای جوان تر با سوابق زیر ۳۰ سال امکان کسب امتیاز حداکثر را ندارند. همچنین امکان تهیه اطلاعات صوری شامل تعداد زیاد اعضا هیأت مدیره به طور غیر متعارف و ایجاد مستندات سابقه کار غیر شفاف، وجود دارد. به عنوان مثال شرکتی با ۵ نیروی کار ۳۰ سال به بالا امتیاز بیشتری نسبت به شرکتی با همان ۵ نیروی کار به علاوه ۱۰ نیروی کار کمتر از ۳۰ سال کسب می کند.

مسائل دیگری نیز مثل شفاف نبودن رابطه بین رتبه مشاور با تعداد گرایش های تخصصی و حداقل نیروهای تخصصی تمام وقت وجود دارد و یا اینکه تعریف روشنی از تکنولوژی نو ورود نداریم لذا میان تکنولوژی نو ورود، متعارف و پیچیده تفاوتی وجود ندارد.

کمیته بر آن است که با تکیه بر دیدگاه های اعضا، در مرحله بازنگری نسبت به رفع این اشکال ها اقدام کند.

کارشناسان شاغل در کانون و گروه های بازرسی، گزارش های متعددی تهیه و بازخوردهای حاصل از ایرادها و پیشنهادها جمع آوری شده بود، لذا ضرورت تشکیل کمیته بازنگری در آیین نامه ها و دستورالعمل هایی که حدود ۷ سال قبل تهیه شده بود، احساس شد. به همین علت از حدود ۵ ماه قبل با دعوت از آقای صادق و اینجانب جلسات مستمر هفتگی با حضور سرکار خانم گوشه، آقایان کریم زاده، عبدلی، صادق و بنده برگزار گردیده و کماکان ادامه دارد.

در برنامه کاری کمیته آیا اولویت با تدوین آیین نامه های مورد نیاز جدید خواهد بود یا بازنگری در آیین نامه های موجود؟
با توجه با اینکه اکثریت قریب به اتفاق اعضا در اظهارنظر ها و پیشنهاد های خود بازنگری در آیین نامه های موجود و انجام اصلاحات ضروری را خواستار شده اند، اولویت با بازنگری است.

آیا انتخاب دستور کار کمیته ناشی از گونه ای نظر خواهی از اعضا است یا آنکه پیشتر نیازهایی از طریق نشست های مشترک به ویژه هم اندیشی با اعضا شناسایی شده که کمیته به آنها می پردازد؟
از آنجا که در گذشته تهیه آیین نامه ها به ترتیب آیین نامه های عضویت، رتبه بندی و تعیین سقف مجاز کار همزمان، تعیین گرایش های تخصصی، نظارت و بازرسی، حق الزحمه خدمات مشاوران، استقلال و عدم ذینفع بودن مشاوران در طرح ها، رسیدگی به تخلفات و هیأت حل اختلاف و سازش، تدوین شده اند و تا حد زیادی وابسته به یکدیگرند، لذا بازنگری مجدد نیز به همان ترتیب گذشته ولی با توجه به اهمیت و صرف وقت بیشتر بر روی هر یک از آن ها بر اساس حجم پیشنهاد های جلسات هم اندیشی و نشست های تخصصی صورت می گیرد.

جایگاه کمیته در سازمان کانون در کجا قرار دارد و به عبارت دیگر شکل ارتباطی آن با شورای عالی چگونه خواهد بود و خود متشکل از چه عناصری، امور را بررسی و پیگیری خواهد کرد؟
با توجه به اینکه مطابق اساسنامه موجود کانون، اشخاص حقیقی نماینده اشخاص حقوقی، فقط امکان انتخاب در دو دوره متوالی به عنوان عضو شورای عالی را دارند و طی دو دوره قبلی انتخابات، کلیه اعضای منتخب در هر دو دوره حضور داشتند و بنابراین امکان انتخاب مجدد وجود نداشت، طبعاً گسستی در انتقال سوابق و تجربیات دوره های قبلی به دوره سوم پدیدار شد؛ به طوری که در اساسنامه پیشنهادی تشکیل یک اتاق فکر یا کمیته مشورتی در کنار شورای عالی پیش بینی شده و کمیته بازنگری نیز در همین راستا و با همین فلسفه از دو عضو شورای قبلی و دو عضو شورای فعلی تشکیل شده است.

برای دریافت کمک های فکری و همان اصل معروف استفاده از خرد جمعی که در کانون به عنوان یک راهبرد مطرح بوده، چه انتظاری از اعضای کانون دارید و ارتباطات خود را با اعضا با کدام سازو کارها برقرار خواهید کرد؟

همان طور که قبلاً به عرض رسید کانون در ابتدای شکل گیری فاقد تجربه ۷ ساله فعلی بوده ولی در حال حاضر با پشتوانه تجربه ای که حاصل استفاده از خرد جمعی و همفکری های نشست های هم اندیشی

ماهیت فعالیت بانک های توسعه



بایزید مردوخی

bayezmardukh@gmail.com

تشکیل سرمایه در اقتصاد

• هزینه های ثابت سرمایه ای، همراه با نوآوری و سازماندهی، تأثیری قاطع و انکارناپذیر بر جهت و آهنگ رشد بنگاه یا کشور در آینده، خواهند داشت.

تشکیل سرمایه در اقتصاد از عوامل مهم و مؤثر در رشد و توسعه اقتصادی است. مطالعات تجربی که در مورد اقتصادهای مختلف به عمل آمده است، نقش عامل سرمایه در رشد تولید را تأیید و سنجش کرده است. نتایج مطالعات رابرت سالو در مورد ایالات متحده آمریکا نشان داد که تأثیر شدت سرمایه در رشد بلند مدت تولید، ۱۲/۵ درصد بوده است. نتایج مطالعات ادوارد دنیسون هم همین مطلب را تأیید کرده و عامل سرمایه را موجب رشد ۱۲ درصدی تولید در بلندمدت دانست.

نتایج بررسی ها در مورد عوامل شکل دهنده رشد در کشورهای آسیای شرقی نیز نشان می دهد که بخش زیادی از رشد این کشورها ناشی از سرمایه گذاری های وسیع در سرمایه های انسانی و فیزیکی است. به طور کلی از مجموع ۱۴ دوره که طی آن دوره ها میانگین متحرک ۳ ساله رشد کشورهای کره، مالزی، اندونزی، تایلند و سنگاپور بیشتر از ۷ درصد بوده، محرک یا موتور اصلی رشد، سرمایه گذاری (داخلی یا خارجی) بوده است.

سهام سرمایه گذاری در تولید ناخالص داخلی در روند بلندمدت در بیش از ۱۰۰ کشور جهان از ۱۴ درصد در پایین ترین سطح درآمد سرانه (کمتر از ۳۰۰ دلار)، به ۲۶ درصد در بالا ترین سطح درآمد سرانه می رسد. سهام سرمایه گذاری در تولید ناخالص داخلی کشورهایی مانند مالزی و تایلند نزدیک به ۳۰ درصد بوده است. این رقم در کره جنوبی از ۱۵/۹ تا ۳۷/۱ درصد نوسان داشته است.

اساسی ترین تصمیمی که از نظر اقتصادی، هر واحد تصمیم گیر با آن روبه رو می شود - اعم از این که یک بنگاه باشد، یک فرد و یا یک دولت - تخصیص منابع کمیاب است. یکی از این منابع کمیاب سرمایه است که همواره راه ها و فرصت های متعددی برای به کارگیری مولد آن وجود دارد.

به طور کلی فرصت های به کارگیری منابع مالی یا در سرمایه گذاری است یا در مصرف. تفاوت اصلی بین این دو تصمیم (سرمایه گذاری و مصرف) از نوع اولویت زمانی است، به طور کلی سرمایه گذاری را می توان هر اقدامی نامید که مستلزم چشم پوشی از رضایت خاطری فوری و معین در قبال سودی انتظاری در آینده است. ویژگی مهم سرمایه گذاری، هزینه کردن منابع ارزشمند به انتظار منافع آینده یا جریانی از منافع است که طی زمان تحقق پیدا می کند. مصرف منابع نیز برای تأمین رضایت خاطر است در زمان حال و کوتاه مدت.

از میان همه تصمیم های اقتصادی، انتخاب و تأمین مالی طرح های سرمایه گذاری از همه مهم تر و اساسی تر است زیرا:

• هزینه ای که در نتیجه این تصمیم گیری ها تحت تأثیر قرار می گیرد، قابل توجه است.

• به علت این که در سرمایه گذاری، منابع برای مدت های طولانی به یک منظور معین اختصاص پیدا

می کند، هرگونه اشتباهی در این تصمیم گیری ها، زیان بار خواهد بود.

• تصمیم به سرمایه گذاری فی نفسه تصمیمی بسیار پیچیده است و معمولاً مدیریت های سطح بالای بنگاه یا دولت در آن درگیر هستند.



۱- تجهیز منابع مالی: تأسیس بانک توسعه با هدف تأمین منابع مالی اعم از مشارکت در طرح های سرمایه گذاری بخش خصوصی و پرداخت تسهیلات سرمایه ای بلندمدت به این طرح ها، صورت می گیرد. از این رو، ضروری است که بانک توسعه با سرمایه اولیه بدون هزینه (از محل اعتبارات دولتی و اوراق قرضه بلندمدت از بازارهای مالی) شروع به فعالیت کند. اتکاء بانک های توسعه به سپرده دارندگان پس انداز در بخش خصوصی، آن ها را از وظیفه اصلی کمک به تشکیل سرمایه در بخش خصوصی جدا کرده و به صحنه رقابت با بانک ها و مؤسسات تجاری وارد می کند. مدیریت مالی در چنین حالتی که بانک توسعه به طور همزمان، پاسخگوی انتظارات خدماتی و انتفاعی دارندگان منابعی باشد که کوتاه مدت اند و هم چنین سرمایه گذارانی که در بلندمدت بتوانند منابع بانک اعم از سود سرمایه گذاری بانک و یا اقساط وام بانک را پرداخت نمایند، بسیار مشکل و عملاً غیرممکن است. در این صورت تنها یک راه باقی خواهد ماند که این بانک به طور کلی از وظایف توسعه ای خود صرف نظر نماید.

۲- تأمین مالی: اصولاً یک بانک توسعه، بعد از تجهیز منابع، مهم ترین وظیفه اش تأمین مالی طرح های سرمایه گذاری کارآفرینان است. در اجرای این وظیفه مهم، بانک توسعه از صلاحیت های علمی و تخصصی خود برای تشخیص بازده طرح های سرمایه گذاری که متقاضی تسهیلات سرمایه ای از بانک هستند، استفاده می نماید به طوری که از مجموع پرداخت هایش به طرح های گوناگون سرمایه گذاری، بتواند جریان نقدینگی قابل اطمینانی را اعم از سود و اقساط بازپرداختی در آینده، برای خود تضمین نماید.

۳- شناخت و ارتقاء فرصت های سرمایه گذاری: بانک توسعه در انجام وظیفه تأمین مالی برای طرح های سرمایه گذاری نمی تواند تنها به توجیه فنی- مالی طرح ها در سطح خرد متکی باشد. این توجیه اگر بدون توجه به چشم انداز آینده هر بخش از اقتصاد مبنای اتخاذ تصمیم بانک در مشارکت های سرمایه گذاری یا پرداخت تسهیلات سرمایه ای به طرح ها بدون برآورد ریسک چرخه های رونق- رکود فعالیت های اقتصادی و احتمال عدم بازگشت تسهیلات پرداختی و سود سرمایه های بانک باشد، زیستمندی و ادامه فعالیت بانک در معرض خطر قرار خواهد گرفت لذا ضروری است که یک بانک توسعه همواره استعداد و ظرفیت و چشم انداز آینده بخش های مختلف تولیدی را در دست بررسی دائمی خود داشته باشد و فرصت های سرمایه گذاری را به جامعه و به کارآفرینان اطلاع رسانی نماید. ارائه فهرستی از طرح های موجه و دارای اولویت بلندمدت به سرمایه گذاران احتمالی، در این زمینه بسیار راهگشا خواهد بود.

۴- ارائه مشاوره به کارآفرینان: بانک توسعه به اتکاء بررسی ها و مطالعات علمی خود در زمینه فرصت های سرمایه گذاری در استان های مختلف، مشاوره قابل اطمینان برای سرمایه گذاران است. این مشاوره در مورد توجیه سرمایه گذاری، انتخاب تکنولوژی مناسب، انتخاب ساختار مالی، محصول و تنوع محصولات، حسابداری قیمت تمام شده، ساختار مدیریتی، ثبت شرکت و برند محصول و کلیه ی اموری که به

منابع تشکیل سرمایه و سرمایه گذاری در ایران

- ۱- سرمایه گذاری خصوصی
- ۱-۱- پس انداز خصوصی
- ۲-۱- تسهیلات سرمایه ای
- نظام بانکی
- صندوق توسعه ملی
- ۳-۱- مشارکت بخش دولتی
- اعتبارات سرمایه ای از بودجه دولت
- منابع داخلی شرکت های دولتی
- ۴-۱- مشارکت بخش عمومی غیردولتی
- ۵-۱- سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI)
- ۶-۱- تسهیلات بانک ها و مؤسسات خارجی
- ۲- سرمایه گذاری دولتی
- ۱-۲- اعتبار سرمایه گذاری در بودجه دولت
- ۲-۲- منابع داخلی شرکت های دولتی
- ۳-۲- مشارکت بخش عمومی غیردولتی
- ۴-۲- سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI)
- ۵-۲- تسهیلات بانک ها و مؤسسات خارجی
- ۶-۲- (مشارکت بخش خصوصی) پس انداز خصوصی

«ظرفیت جذب»، مانع تشکیل سرمایه

مشکل انباشت سرمایه در ایران، بیشتر از آن که ناشی از کمبود پول و اعتبار، یا نرخ گذاری های دولتی (سود و بهره) باشد، ناشی از «ظرفیت جذب» به شدت پایین اقتصاد است که تحت تأثیر عوامل و عناصر نظام تدبیر ناسازگار با توسعه مانند ناهماهنگی های سازمانی، نظام اداری و مدیریت ناکارآمد، (فاقد شفافیت، فاقد توانمندی، فاقد حساسیت نسبت به ریسک و نسبت به ملاحظات مکان یابی، به دلیل لابی هایی که به شرایط اقتصادی پروژه ها توجهی ندارند) می باشد. پاره ای از مخاطرات مانند خطر بلایای طبیعی، تغییر قیمت مواد اولیه و انرژی، تغییر دستمزد و امثال این ها به دلیل آن که سرمایه گذار می تواند با توسل به ابزارهایی هم چون بیمه، خرید سلف، قرارداد کار و مانند آن خود را تا حدودی در برابرشان ایمن سازد یا آثار سوء آن ها را به حداقل کاهش دهد، ملازمه ای با بالا بردن سود انتظاری سرمایه گذار ندارند و بنابراین از بحث ریسک سیستماتیک خارج هستند. سرمایه گذار در مقابل ریسک سیستماتیک بالاتر، سود مورد انتظار بیشتری طلب می کند و تنها با این انتظار است که به سرمایه گذاری اقدام می کند.

ریسک سیستماتیک در سرمایه گذاری ها در ایران متأثر است از: حاکمیت نظم و قانون (قانونمندی)، ثبات دولت، فساد اداری، حسابداری و پاسخگویی دولت در برابر مردم و نهادهای دموکراتیک، بی اعتنائی به قراردادهای، مصادره ها، شکاف میان انتظارات مردم و عملکردهای دولت ها و کیفیت دستگاه اداری.

نقش و فعالیت های بانک توسعه

مهم ترین نقش های بانک های توسعه در یک اقتصاد در حال توسعه به شرح زیرند:

تصمیم‌گیری کارآفرینان در انتخاب و اجرای طرح‌های سرمایه‌گذاری کمک نماید بسیار مؤثر و ضروری است.

۵- مدیریت پروژه: بانک توسعه می‌تواند و باید قادر باشد در صورت ضرورت بر اجرای طرح‌های سرمایه‌گذاری که در آن‌ها به عنوان سهام دار مشارکت دارد و یا به عنوان وام‌دهنده حضور دارد، مدیریت و نظارت نماید. بانک توسعه با این کار می‌تواند از تأخیر در اجرا و بهره‌برداری از طرح‌ها جلوگیری و به برگشت منابع خود در طرح‌ها کمک نماید. تأخیر در اجرا و بهره‌برداری از طرح‌های سرمایه‌گذاری، یکی از مشکلات جدی در فرآیند توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه و مناطق عقب‌مانده است که بانک‌های توسعه می‌توانند همان‌طور که منابع لازم برای توسعه را تأمین می‌نمایند، فرآیند توسعه را نیز تسریع ببخشند.

۶- موتور توسعه‌ی مناطق توسعه نیافته: هماهنگی بین دولت و بانک‌های توسعه می‌تواند در یک تقسیم‌کار منطقی و برنامه‌ریزی شده، موانع توسعه را در مناطق توسعه نیافته از بین ببرد. این تقسیم‌کار به شرح زیر قابل برنامه‌ریزی برای هر یک از مناطق مورد نظر است:

- تأمین منابع لازم برای بانک‌های توسعه از محل بودجه‌های عمرانی دولت به صورت:

الف) وام مستقیم بلندمدت

ب) وام امانی برای اعطای تسهیلات سرمایه‌گذاری در طرح‌های

سرمایه‌گذاری تولیدی بخش خصوصی

پ) سپرده دولت نزد بانک توسعه به منظور مشارکت سهامی دولت در طرح‌های سرمایه‌گذاری تولیدی بخش خصوصی (seed money) برای تشویق و اعتمادسازی.

- اجرای طرح‌های زیربنایی توسط دولت در منطقه، همزمان با اجرای طرح‌های سرمایه‌گذاری تولیدی بخش خصوصی به گونه‌ای که با راه اندازی این طرح‌ها، زیربناها (راه، برق، آب و...) نیز آماده بهره‌برداری شوند.

- اعمال امتیازات، و اعطای به موقع معافیت‌ها: تجربه نشان داده است که امتیازات و معافیت‌هایی که به طرح‌های سرمایه‌گذاری تولیدی بخش خصوصی در مناطق توسعه نیافته اعطا می‌شود، در دوره اجرای طرح‌ها مؤثر است. امتیازات و معافیت‌های وعده داده شده برای دوران بهره‌برداری (مانند معافیت‌های مالیاتی) در ترغیب کارآفرینان و تشویق سرمایه‌گذاران فاقد تأثیر است.

بانک توسعه یک مؤسسه مالی توسعه است که برای سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی که به ارتقاء توسعه کمک می‌کند، به تأمین مالی می‌پردازد. بانک‌های توسعه ملی، معمولاً تحت مالکیت دولت‌ها برای توسعه اقتصادی تأمین مالی فراهم می‌کنند. این تأمین مالی به صورت سرمایه میان مدت و بلندمدت برای سرمایه‌گذاری‌های مولد است که غالباً همراه با کمک فنی در مناطق فقیر است. یکی از وظایف و فعالیت‌های اصلی بانک توسعه، شناخت و ارتقاء فرصت‌های سرمایه‌گذاری خصوصی است. گرچه تلاش‌های بیشتر بانک‌های توسعه به سمت بخش صنعت است. بعضی از این بانک‌ها برای کشاورزی و مسکن هم اقدام به تأمین مالی می‌کنند.

بانک‌های توسعه می‌توانند هم دولتی و هم خصوصی باشند ولی در هر صورت دولت‌ها همواره به سرمایه‌بانک‌های خصوصی کمک می‌کنند، اما از آنجا که بانک‌های توسعه توسط دولت‌ها اداره می‌شوند و در برابر مالیات دهندگان که تأمین مالی آن‌ها را به عهده دارند پاسخگو نیستند، بعضی از کشورها، نظارت‌هایی (checks and balances) برای جلوگیری از انجام سرمایه‌گذاری‌های بد توسط این بانک‌ها برقرار می‌کنند.

تأسیس بانک توسعه در بخش صنعت و معدن

در دهه ۱۳۴۰ خورشیدی، به منظور تشکیل سرمایه و هم‌چنین تشویق سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و معدن و پر کردن خلأ وجود بخش خصوصی در فرآیند توسعه صنعتی کشور، بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران تأسیس شد تا همراه با بانک اعتبارات صنعتی و با یک تقسیم‌کار مشخص به فعالیت بپردازند. بانک اعتبارات صنعتی در جوار سازمان برنامه، مسئولیت سرمایه‌گذاری در طرح‌های صنعتی کوچک و متوسط در مناطق کمتر توسعه یافته را عهده‌دار بود و بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران مسئولیت تجهیز و تأمین منابع داخلی و بین‌المللی برای احداث کارخانه‌های مدرن و بزرگ در مناطق مجاور شهرهای بزرگ کشور را به عهده گرفت.

بانک اعتبارات صنعتی یک بانک تخصصی دولتی بود که تنها برای طرح‌های صنعتی بخش خصوصی و مجریان آن طرح‌ها حساب سپرده‌گشایش می‌کرد و به آن‌ها تسهیلات سرمایه‌ای می‌داد. بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران، یک بانک تخصصی غیردولتی بود که به اشکال مختلف در سرمایه‌گذاری‌های صنعتی مشارکت و ایفای نقش می‌کرد. بسیاری از واحدهای صنعتی احداث شده در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ توسط بخش خصوصی، نتیجه حمایت‌های مالی دولت از طریق این دو بانک توسعه‌ای بود. بانک تخصصی سومی نیز در دهه ۱۳۵۰ به نام بانک توسعه و سرمایه‌گذاری ایران تأسیس شد.

بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، این سه بانک تخصصی در بانک واحدی به نام «بانک صنعت و معدن»

ادغام شدند. بانک صنعت و معدن در برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۷۹-۱۳۸۳) با تغییر رویکرد بانک‌های توسعه و پذیرش فعالیت‌های بانک‌های تجاری از جمله سپرده‌گیری از مشتریان، منابع مورد نیاز برای اعطای تسهیلات به بخش صنعت و معدن را از محل فروش و واگذاری سهام کلیه شرکت‌های تحت پوشش به بخش‌های تعاونی و خصوصی و ایجاد صندوق‌های خاص سپرده‌گیری برای رشته‌ها یا طرح‌های معین، به فعالیت ادامه داد.

بانک صنعت و معدن در قوانین جدید

- سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با توجه به ذیل اصل ۴۴ قانون اساسی و مفاد اصل ۴۳ و به منظور: شتاب بخشیدن به رشد اقتصاد ملی، گسترش مالکیت، ارتقاء کارایی، افزایش رقابت‌پذیری، افزایش سهم بری خصوصی و تعاونی، کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت، افزایش سطح عمومی اشتغال، تشویق مردم به پس انداز و سرمایه‌گذاری - بانک‌های دولتی به استثنای بانک مرکزی، بانک ملی، بانک سپه، بانک صنعت و معدن، بانک کشاورزی، بانک مسکن و



بخش پرداخت نمود که نسبت به سال قبل ۸/۲ درصد افزایش نشان می دهد.

بررسی عملکرد بودجه دولت در سال ۱۳۹۱ نشان می دهد که تنها ۱۱/۲ درصد از اعتبارات طرح های تملک دارایی های سرمایه ای در بودجه مصوب « صنعت و معدن » محقق گردیده است. اعتبار بودجه مصوب دولت برای اجرا و تکمیل طرح های تملک دارایی های سرمایه ای فصل صنعت و معدن و طرح تحقیقات اساسی این بخش برای سال ۱۳۹۱ مبلغ ۶,۴۴۹/۴ میلیارد ریال بود که تنها مبلغ ۷۲۰/۴ میلیارد ریال از اعتبار مذکور پرداخت شد که در مقایسه با عملکرد سال قبل، ۸۷/۵ درصد کاهش داشت.

کارآیی و ناکارآیی فنی در بانک های کشور در دهه ۱۳۷۶-۱۳۶۷

بر پایه یافته های یک مطالعه مشخص شده که کلیه بانک های کشور به طور متوسط ۱۴/۵ درصد بالاتر از حداقل هزینه ممکن در حال فعالیت هستند و میانگین ناکارآیی فنی در طول زمان، روند صعودی دارد، با افزایش تعداد شعب، بر کارآیی فنی بانک ها افزوده شده و با افزایش تعداد پرسنل، کارآیی فنی آن ها کاسته می شود.

- متوسط ناکارآیی فنی بانک های تخصصی کشور طی دهه ۱۳۷۶-۱۳۶۷ :

بانک مسکن ۳/۹ درصد (از ۳/۱ درصد در ۱۳۶۷ به ۶/۸ درصد در ۱۳۷۶)
بانک صنعت و معدن ۱۵/۳ درصد (از ۹/۸ درصد در ۱۳۶۷ به ۲۲/۴ درصد در ۱۳۷۶)

بانک کشاورزی ۱۵/۹ درصد (از ۱۰/۱ درصد در سال ۱۳۶۷ به ۲۳/۳ درصد در سال ۱۳۷۶)

- متوسط کارآیی فنی بانک های تخصصی در همین دوره ۱۰ ساله ۸۸ درصد بوده است.

- میانگین کارآیی فنی در صنعت بانکداری کشور معادل ۸۵/۵ درصد نشان می دهد که ۸۵/۵ درصد از هزینه های انجام شده در شرایط کارآیی کامل طی دوره ۱۰ ساله برای صنعت بانکداری کشور کافی بوده است. کارآیی فنی از بعد هزینه تخصصی بالاتر از بانک های تجاری بوده است.

منابع

- نماگرهای اقتصادی شماره ۷۷، سه ماهه دوم سال ۱۳۹۳، اداره بررسی های اقتصادی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- صنعت و معدن در نظم نوین قانونی، ویرایش سوم، سعید جلالی، وزارت صنایع و معادن، مرداد ماه ۱۳۸۸

- تخمین و اندازه گیری کارآیی فنی صنعت بانکداری کشور طی سال های ۱۳۶۷ - ۱۳۷۶، الهام اطمینان، مجله برنامه و بودجه شماره ۸۰، تیر و مرداد ۱۳۸۲.

- خلاصه مطالعات طرح استراتژی توسعه صنعتی کشور، مسعود نیلی و همکاران، دانشگاه صنعتی شریف، دانشکده مدیریت و اقتصاد.

برگرفته از لوح فشرده مقالات همایش نقش بانک های توسعه ای در توسعه و رونق اقتصادی کشور

بانک توسعه صادرات - ۸۰ درصد از سهم بنگاه های دولتی به بخش های خصوصی شرکت های تعاونی سهامی عام و بنگاه های عمومی غیردولتی واگذار می شود.

قانون تمرکز امور صنعت و معدن و تشکیل وزارت صنایع و معادن مصوب ۱۳۷۹/۱۰/۶ مجلس شورای اسلامی: بانک صنعت و معدن با حفظ شخصیت حقوقی و مالی و اداری به وزارت صنایع و معادن وابسته می شود. اصلاحات لازم در اساسنامه بانک صنعت و معدن با پیشنهاد وزیر صنایع و معادن و رعایت موارد ذیل ظرف ۳ ماه به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

الف) پرداختن به امر بانکداری توسعه و اجتناب از اداره شرکت ها و کارخانه ها
ب) اعطای تسهیلات برای ایجاد، توسعه، تکمیل و بهسازی واحدهای صنعتی و معدنی با اولویت

صنایع کوچک اعم از سخت افزاری و نرم افزاری
پ) استفاده از کلیه ابزارهای مالی برای تجهیز و تخصیص منابع مورد نیاز بخش صنعت و معدن

کشور در چارچوب قوانین حاکم بر عملیات بانکی و ضوابط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران - قانون برنامه چهارم توسعه: دولت مکلف است در طول سال های برنامه، سرمایه بانک صنعت و معدن را متناسباً برابر سقف مصوب اساسنامه افزایش دهد.

- قانون بودجه سال ۱۳۸۷ کل کشور: دولت مکلف است تا پایان سال ۱۳۸۷ حداقل ۴۰ درصد سهام سهم الشرکه، حق تقدم ناشی از سهام و سهم الشرکه، حقوق مالکانه، حق بهره برداری و مدیریت شرکت های دولتی صدر اصل ۴۴ قانون اساسی متعلق به دستگاه های اجرایی موضوع ماده (۱۶۰) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به استثنای موارد زیر را به بخش های خصوصی تعاونی و عمومی غیردولتی از طریق مزایده یا بورس واگذار کند.

- بانک مرکزی، بانک ملی، بانک سپه، بانک صنعت و معدن، بانک کشاورزی، بانک مسکن، بانک توسعه صادرات، بانک توسعه تعاون.

- تصویب نامه در خصوص دستگاه های اجرائی موضوع ماده (۸۶) قانون اصلاح مواد از قانون برنامه چهارم توسعه و اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی: منظور از سازمان های توسعه ای موضوع تبصره (۳) بند الف) ماده (۳) قانون، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران، بانک توسعه صادرات، بانک صنعت و معدن، بانک کشاورزی، بانک مسکن، بانک توسعه تعاون و شرکت ملی صنایع پتروشیمی می باشد.

تأمین مالی بخش صنعت و معدن

در سال ۱۳۹۱، میزان تسهیلات پرداختی توسط شبکه بانکی و مؤسسات اعتباری غیر بانکی به بخش صنعت و معدن به رقم ۶۱۹/۳ هزار میلیارد ریال بالغ گردید. بر این اساس سهم بخش صنعت و معدن از کل تسهیلات پرداختی در سال مزبور ۳۱/۷ درصد بود. براساس سیاست های پولی، اعتباری و / نظارتی نظام بانکی کشور در سال ۱۳۹۱ (مصوب دی ماه ۱۳۹۰)، سهم توصیه شده بخش صنعت و معدن از تغییر در مانده تسهیلات بانکی معادل ۳۷ درصد تعیین گردید.

بانک صنعت و معدن به عنوان تنها بانک تخصصی در بخش صنعت و معدن، در سال ۱۳۹۱ مبلغ ۲۷/۳۷ هزار میلیارد ریال تسهیلات به این

کمیته برگزاری همایش منطقه ای خراسان بزرگ



به منظور پیشبرد اهداف کانون و پیش بینی تمهیداتی برای تقویت همکاری اعضا در منطقه خراسان، کمیته ای تشکیل شد.

در جلسه ای که روز دوشنبه ۴ خردادماه، پیرو دعوت دبیرخانه کانون با هدف هم اندیشی درباره چگونگی برگزاری همایش منطقه ای خراسان، با حضور سرکار خانم سادات گوشه رییس شورای عالی و آقای کریم زاده دبیرکل کانون در مشهد، در دفتر شرکت مهندسی سیال ثامن برگزار شد، مدیران عامل یا نمایندگان ۹ شرکت مستقر در خراسان رضوی نیز در آن شرکت داشتند.

در آغاز جلسه رییس شورای عالی از اعضای حاضر در جلسه به خاطر قبول دعوت کانون سپاسگزاری کرد و همایش منطقه ای مشاوران عضو کانون را که برای نخستین بار در کشور در سطح پیش بینی شده برگزار خواهد شد، به اعضا تبریک گفت و برای این نشست و نشست های آتی آن آرزوی موفقیت کرد. خانم گوشه گزارشی از ملاقات های پیش از ظهر همان روز را با رییس شهرک های صنعتی استان و معاونت استانداری خراسان رضوی، به حضار ارائه کرد و از اعضا خواست هرکدام به سهم خود اجرای بخشی از برنامه های لازم برای همایش پیش رو را برعهده گیرند و در برگزاری موفق آن مشارکت فعال نمایند.

سپس دبیرکل کانون هدف از برگزاری نشست های هم اندیشی و همایش های استانی را معرفی کانون و خدمات مشاوران عضو به مراجع استانی، فرهنگ سازی در جهت استفاده از خدمات مشاوران در اجرای طرح ها و توسعه بازار و همچنین شناسایی طرح ها و ظرفیت های استانی اعلام کرد.

آقای کریم زاده در ادامه به برخی از هدف های مشخص همایش مانند :

- ایجاد فرصتی برای طرح و بررسی مشکلات مشاوران در منطقه
- بررسی انتظارات مشاوران عضو از کانون
- تقویت اعضا با بهره گیری از اثرات مثبت ایجاد تشکل و ساختار

استانی به منظور همگرایی و همکاری بیشتر اعضا - تبادل نظر و تجربیات به منظور رفع مشکلات

- گسترش ارتباطات رو در روی اعضای استانی و مسئولان کانون اشاره و ابراز امیدواری کرد این نشست بتواند حرکت به سوی اهداف بالا را تضمین کند.

آنگاه آقای مهندس مجتبی مدیرعامل شرکت مهتاب ثامن ضمن تأکید بر ضرورت تبیین اهداف همایش و شناسایی مخاطبین آن اظهار داشت : از آنجا که هدف اصلی همایش معرفی کانون و توانمندی مشاوران اعتباری و سرمایه گذاری در جریان سرمایه گذاری ها و اجرای طرح ها و تشریح خدمات آنان است، ضرورت دارد با توجه به کمبود اعتبارات و بودجه استانی، پروژه ها به درستی و شفافیت تعریف و به سرمایه گذاران معرفی شود.

وی در ارتباط با مخاطبان همایش منطقه ای کانون افزود : برنامه ریزان و مسئولان اقتصادی و صنعتی، اشخاصی که طرح در اختیار دارند اما سرمایه لازم را ندارند، مؤسسات مالی که در منطقه وجود دارند و بالاخره مدیران بانک ها، می توانند مخاطبان اصلی همایش باشند.

سپس آقای نوفرستی از شرکت توسعه فن آوری پارس شید با اشاره به این واقعیت که استان خراسان تشکل گرا است، حضور مؤثر و موفق خانه صنعت استان، اتاق بازرگانی، کانون کارفرمایان و انجمن مدیران صنعت را نمونه هایی از این موضوع دانست.

وی ضمن طرح علاقه مندی سازمان صنعت و معدن استان به همکاری با تشکل ها، ایجاد یک تشکل منطقه ای برای اعضای خراسانی کانون را مهم ارزیابی کرد و گفت : باید در تعاملی پیگیر و استدلالی سعی کنیم تا مشاوره سرمایه گذاری و اعتباری نیز به رسته های وزارت صنعت و معدن برای صدور جواز تأسیس، اضافه شود.

در این بخش از نشست هم اندیشی آقای کریمی مدیرعامل شرکت سیال ثامن

به صورت دو هفته یکبار و در دفاتر اعضا به صورت گردشی برگزار شود.

دومین نشست کمیته هماهنگی همایش

منطقه ای خراسان برگزار شد

دومین نشست کمیته هماهنگی همایش منطقه ای خراسان، سه شنبه ۲۶ خردادماه با حضور مدیران عامل و نمایندگان ۹ شرکت عضو کانون مستقر در استان خراسان رضوی برگزار شد.

این کمیته که با هدف پیشبرد اهداف کانون و پیش بینی تمهیداتی برای تقویت همکاری اعضا در استان خراسان رضوی، شکل گرفته، در دومین نشست خود ضمن تأکید بر ایجاد بازار مطمئن و حاشیه سود مشروع، بر تمرکز روی پروژه ها و طرح های کلیدی استانی و محدود نکردن ظرفیت های مشاوران حول طرح های کوچک تأکید نمود.

حاضران همچنین با تأکید بر انسجام و ارتباط مستمر اعضا و بررسی آسیب های طرح ها و راه حل آنها با حمایت کانون خواستار ایجاد کنسرسیوم و جذب پروژه های بزرگ و احیاناً خلق آنها از نهادهای اصلی استان شدند و جنبه های مختلف همایش منطقه ای را مورد بحث و تبادل نظر قرار دادند.

در این نشست وظایف ارتباطات سازمانی، آموزش و محتوا، کنداکتور و برآورد مالی، ارتباط با دانشگاه و مؤسسات مالی اعتباری و اطلاع رسانی و تبلیغ همایش، بین داوطلبان تقسیم و مأموریت هرکدام مشخص شد.

در پایان مقرر شد نشست بعدی کمیته در نهم تیرماه در محل یکی از شرکت های عضو ترتیب یابد.

ضمن تأیید اهمیت تعریف کامل و درست اهداف همایش اظهار داشت: در حال حاضر با وجود تجهیز شرکت های مشاور و آمادگی کامل آنها، به دلیل نبود طرح های سرمایه گذاری، فعالیت درخوری در این زمینه دیده نمی شود. او همچنین به لزوم تبدیل رقابت ناسالم به رفاقت و همکاری بین اعضای استانی کانون اشاره و بر تقویت جایگاه قانونی این نهاد، فضا سازی در جهت معرفی هرچه بیشتر کانون، برگزاری همایش های مؤثر و سایر اقدامات اثربخش در این مسیر تأکید کرد.

آنگاه آقای کوچک زاده مدیرعامل شرکت مشاورین صنعتی پوینده پایا گستر توس، با اشاره به ساخت و سازهای مجتمع های بزرگ در مشهد و همچنین حضور ۲۰ تا ۲۵ میلیون زائر در سال، نقش فعال کانون در کمک به بهره برداری ها و به رونق رساندن این طرح ها را، خواستار شد.

آقای کشمیری مدیرعامل شرکت مهندسین مشاور رهنما صنعت نیز، در سخنانی به عملی کردن استقلال مشاور، تقویت جایگاه قانونی و الزامی شدن استفاده از مشاوران در اجرای طرح ها اشاره کرد و خواستار به اجرا درآمدن برنامه های آموزشی برای کارشناسان و مشاوران از طرف کانون، شد.

آقای دکتر قلی زاده مدیرعامل موسسه همایش اندیشه شرق نیز موفقیت همایش منطقه ای را در گرو برنامه ریزی صحیح و عملی با مشارکت مسئولان منطقه، دانشگاهیان و اعضا دانست.

در این نشست آقایان کریمی، نوفرستی و قلی زاده به عنوان اعضای کمیته مذکور انتخاب شدند و در پایان نشست تصمیم گرفته شد: جلسات کمیته هماهنگی مشاوران برای بررسی اهداف کلی و برنامه ریزی نهایی همایش



تلفن ها: ۸۸۵۳۸۹۹۵ - ۸۸۵۳۸۱۹۱ - ۸۸۷۳۹۴۸۸ - ۸۸۵۳۲۲۴۳

نمابر: داخلی ۶

کد پستی: ۱۴۱۵۸۶۳۸۶۱

پست الکترونیک: info@abcic.ir

پایگاه اطلاع رسانی: www.abcic.ir

نشانی: میدان آرژانتین، خیابان احمد قصیر (بخارست)، خیابان دوازدهم غربی، پلاک ۲، واحد



گروه مهندسی آی کن

